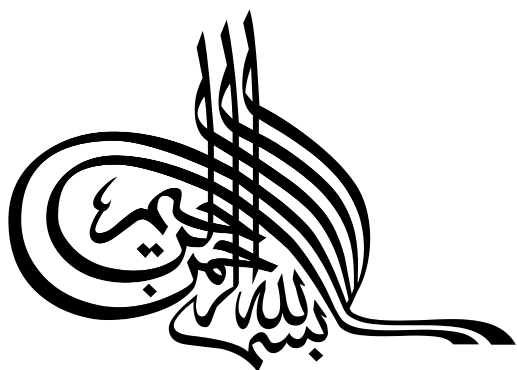

بسم الله الرحمن الرحيم

آداب و احکام نماز

همراه با

احکام سجدة سهو، نماز بیمار، نماز در سفر، قصر و جمع نماز و اذکار بعد از نماز

تألیف

صلاح الدین جوهری

فهرست موضوعات

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على النبی المبعوث رحمةً للعالمين وعلى آله وصحبه أجمعين أما بعد:

سخن خود را با فرمودۀ پیامبر ﷺ آغاز می‌کنم که می‌فرمایند: «صلوا کما رأیتمونی أصلی»[1]:«نماز بخوانید همان گونه که دیدید من نماز می‌خوانم».

و خداوند متعال می‌فرمایند: ﴿قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [2] : «به آنها بگو (این خطابی است به پیامبر ﷺ تا اینکه به صحابه بگوید) که اگر

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۶۰۵ .

۲ - آل عمران / ۳۱.

خداوند را واقعاً دوست دارید پس از من (یعنی پیامبر ﷺ) پیروی کنید، خداوند شما را دوست می‌دارد و گناهان شما را می‌بخشد، و به راستی که خداوند بخشنده و مهربان است».

علامه عبد الرحمن سعدی در تفسیر این آیه می‌گوید: «اگر این مرتبۀ بزرگ (یعنی حب و دوست داشتن خدا) را ادعا می‌کنید، مرتبه‌ای که هیچ مرتبه‌ای از آن بالاتر نیست پس تنها ادعا کافی نیست بلکه باید همراه آن صدق و راستی باشد و علامت صدق آن پیروی از پیامبر ﷺ در همۀ حالات می‌باشد، در گفته‌ها و کارهایش و اصول دین و فروعش و در ظاهر و درونش، پس کسی که از پیامبر ﷺ پیروی کند در محبتش نسبت به خدا صادق می‌باشد و خداوند او را دوست داشته وگناهان او را می‌بخشد»[١].

خیلی از مردم با ترک کردن سنتهای پیامبر ﷺ خود را از این

---

١ - تفسیر السعدی ص١٢٨.

اجرهای بزرگ محروم میکنند و آن هم بخشش گناهان و محبـت و دوست داشتن خداوند ﷻ با انجام دادن کارهایی اندک و آسان، کـه شاید در روز قیامت همه محتاج آن باشیم.

در این جزوه سعی کرده‌ام احادیث صحیح را با فهم صحیح علماء بیان کنم و در کنار آنچه از حدیث ذکر و یا برداشت کرده‌ام مصدر آن را نوشته‌ام. و در آخر کتاب دلایلی که به آن استدلال شده را تخریج کرده‌ام.

هنگام اشاره به تخریج احادیث اگر حدیث در صحیح بخاری و مسلم باشد به این دو مصدر اکتفا می‌کنم، چون هدف حدیث صحیح است و در صورتی که حدیث در کتاب دیگری از کتابهای این دو مؤلف باشد آن کتاب را با ذکر درجۀ حدیث قید می‌کنم مانند "ادب مفرد" تألیف بخاری، ولی اگر حدیث در کتاب مشهور آنها یعنی دو کتاب صحیحشان باشد به ذکر اسمشان اکتفا می‌کنم و همین طور اگر حدیث در یکی از سننهای مشهور مثل ابوداود و ترمذی و

... باشد، به ذکر اسم مؤلفین آنها اکتفا می کنم.

در صورتی که حدیث خارج از صحیح بخاری و مسلم باشد به یک یا دو مصدر دیگر اکتفا می‌کنم و در ابتدای تخریج، درجهٔ آن حدیث را ذکر می‌کنم.

بعضی از اصطلاحات حدیثی که در این کتاب تکرار شده و نیاز به شرح دارند در اینجا به طور خلاصه بیان می‌کنم، تا خوانندهٔ کتاب با مشکلی مواجه نشود:

- **حدیث و مرفوع** : هر گفته یا فعل یا تقریری که به پیامبر ﷺ نسبت داده شود مرفوع یا حدیث گفته می‌شود.
- **اثر و موقوف** : هر گفته یا فعلی که به صحابه ﭫ نسبت داده شود موقوف یا اثر گفته می‌شود.
- **تخریج** : این اصطلاح در علم حدیث، به معنای اخراج حدیث با ذکر جای آن در کتابهایی که حدیث را با سند روایت کرده‌اند همراه با حکم بر آن است.

آداب نماز خواندن

۱- قبل از اینکه مؤمن نماز خود را آغاز کند باید نیت کند و نیت در لغت به معنای قصد می‌باشد همان گونه که پیامبرﷺ می فرمایند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»[۱]: «پذیرش اعمال بستگی به نیتها دارد و به هر کس، آنچه که قصد کرده باشد می‌رسد».

از جمله شروط نماز وضو گرفتن قبل از آغاز نماز و رو به قبله ایستادن و گفتن "الله اکبر" است که رکن نمازمی‌باشد، چون پیامبر ﷺ می‌فرمایند: « هرگاه بلند شدی که نماز بخوانی، پس وضوی خود را کامل بگیر سپس رو به قبله کن و تکبیر بگو»[۲].

---

۱ - بخاری حدیث شمارهٔ ۱ و مسلم حدیث شمارهٔ ۱۹۰۷.

۲ - بخاری حدیث شمارهٔ ۵۸۹۷ و مسلم حدیث شمارهٔ ۳۹۷.

توجه: احکام نماز برای مردان و زنان یکسان است، مگر اینکه حدیثی از پیامبرﷺ آنها را استثناء کند.

احکام ستره

۲ – کسی که می‌خواهد نماز بخواند باید قبل از نماز در جلو خودش ستره قرار دهد، چون پیامبر ﷺ به آن امر کرده‌اند[1].

ستره به چیزی که در جلو سجده گاه نماز گزار قرار می‌گیرد گفته می‌شود تا کسی نماز او را در هنگام مناجات با خداوند قطع نکند، مثل ستون، عصا، دیوار یا انسان و ... و بلندی ستره تقریباً از یک وجب بیشتر می‌باشد چون در حدیثی اندازهٔ آن به پشت زین

---

۱ – (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۶۹۸ و ابن ماجه حدیث شمارهٔ ۹۵۴و ...

توجه: امر پیامبرﷺ در این احادیث بر مؤکد بودن این سنت تأکید می‌کند، و خداوند ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿**فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ**﴾: « بر حذر باشند کسانی که از امر او [یعنی از امر خداوند ﷻ یا پیامبرش ﷺ] سرپیچی می‌کنند، از اینکه به ایشان فتنه [یعنی مصیبت و ...] یا عذابی دردناک برسد».

شتر تشبیه شده است[۱] که از یک وجب بلندتر می‌باشد.

فاصلهٔ یک شخص از ستره:

فاصلهٔ یک شخص از ستره به اندازهٔ سه ذراع (گز)[۲] یعنی نزدیک به یک متر و نیم می‌باشد و بین سجده گاه او و ستره به اندازهٔ عبور یک گوسفد می‌باشد[۳].

منع کردن عابر از جلو نماز:

پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «نماز نخوان، مگر بسوی ستره و نگذار کسی از مقابلت عبور کند و اگر اصرار کرد (یعنی برای عبور کردن) با او در گیر شو چون همراه او شیطان می‌باشد»[۴] و هیچ اشکالی

---

۱ – مسلم حدیث شمارهٔ ۴۹۹.

۲ – بخاری حدیث شمارهٔ ۴۸۴.

۳ – بخاری حدیث شمارهٔ ۴۷۴ و مسلم حدیث شمارهٔ ۵۰۸.

۴ – (صحیح) ابن خزیمه در کتاب صحیحش حدیث شمارهٔ ۸۰۰. و قسمت دوّم حدیث « نگذار کسی از مقابلت عبور کند ... » تا آخر آن نزد بخاری حدیث =

ندارد اگر کسی از پشت سترۀ او عبور کند و همچنین در نماز جماعت سترۀ امام سترۀ مأمومین می‌باشد (یعنی در نماز جماعت هیچ اشکالی ندارد از جلو مأمومین عبور کرد) و هنگامی که فرد مسلمانی به تنهایی نماز می‌خواند نباید از جلو او عبور کرد، چون پیامبر ﷺ می‌فرمایند:« کسی که از جلو نماز گزاری عبور می کند اگر می‌دانست که چه [گناه بزرگی] مرتکب می‌شود، همانا که چهل [روز یا سال] می‌ایستاد برایش بهتر بود از اینکه از جلو نماز گزار عبور کند»[۱]. و حکم گذاشتن ستره و تحریم عبور از جلو نماز گزار در حرم و غیر از حرم فرقی ندارد چون پیامبر ﷺ در این مسأله هیچ جایی را استثناء قرار نداده است. و نمازگزار به هیچ وجه نباید بگزارد کسی از جلو او عبور کند؛ در روایتی آمده است

شمارۀ ۳۱۰۰ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۰۶ .

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۴۸۸ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۰۷.

که گوسفندی خواست از مقابل پیامبرﷺ عبور کند، رسول‌اللهﷺ خودش را آنقدر به دیوار نزدیک کرد که شکم مبارکش به دیوار چسبید و گوسفند از پشت ایشان عبور کرد[۱].

آنچه عبورش موجب قطع نماز می‌گردد:

در صورتی که زن بالغ، الاغ و سگ سیاه از جلو نمازگزار عبور کند، نمازش را قطع و باطل می‌سازد، چون پیامبرﷺ می فرمایند:« هرگاه در پیش روی نمازگزار، ستره‌ای به بلندی قسمت آخر پالان شتر وجود نداشته باشد، در آن صورت اگر زن بالغ یا الاغ و یا سگ سیاهی از مقابل او عبور کند نمازش را قطع می کند». راوی [حدیث از ابوذر] می‌گوید، گفتم: ای ابوذر سگ سیاه با سگ سرخ چه تفاوتی دارد؟ ابوذر گفت: ای فرزند برادرم همان

---

۱ - (صحیح) ابن خزیمه حدیث شمارۀ ۸۲۷ و طبرانی در "المعجم الکبیر" حدیث شمارۀ ۱۱۹۳۷ و حاکم حدیث شمارۀ ۹۳۴..

گونه که از من سؤال کردی از رسول الله ﷺ سؤال کردم و فرمودند: « سگ سیاه شیطان است»[1].

۳- نماز خواندن به سوی قبر حرام می‌باشد چون پیامبرﷺ از آن نهی کرده‌اند و فرموده‌اند:« به سوی قبرها نماز نخوانید و روی آنها ننشینید»[2].

آداب صف بستن در نماز جماعت:

۴- وقتی امام به مأمومین می‌گوید: «اقیموا صفوفکم و تراصوا»: « صفهای خود را درست کنید و به هم بچسبید»، سنت است پاها و شانه‌های خود را به یکدیگر بچسبانیم، زیرا صحابه ﷺ سخن پیامبر ﷺ را این چنین فهمیده‌اند و به آن عمل کرده‌اند و ما هم باید به فهم آنها عمل کنیم، چون قرآن و سنت به زبان آنها نازل شده است. از انس ﷺ آمده روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند:« صفهای

---

۱ – مسلم حدیث شمارۀ ۵۱۰ .

۲ – مسلم حدیث شمارۀ ۹۷۲ .

خود را درست و مرتب کنید، قسم به آن [ذاتـی] که جانم در دسـت اوست، من شیطانهایی کـه در میان صفهای شـما بـوده و ماننـد بـز وحشی و خبیث هستند می‌بینم»[۱]. و در حدیث دیگری نیز از انـس ﷺ آمده است که می‌گوید: نماز برپا شد سپس پیامبر ﷺ رو بـه مـا کردند و فرمودند:« صفهای خود را درست و مرتب کنیـد زیـرا مـن شما را از پشت سرم می‌بینم»[۲]. و بخاری در دنبالۀ ایـن حـدیث از انس نقل می‌کند که می‌گوید:« پس هر کدام از ما شـانۀ خـود را بـه شانۀ کنار دست خود و پـای خـود را بـه پـای او مـی‌چسـباند» و ابن‌ابی‌شیبه در مصنف[۳] با سند صحیح از انس روایت می‌کند کـه مـی گوید: «آنگاه دیدم که هر کدام از ما شـانۀ خـود را بـه شـانۀ کنـار دستی، و پای خود را به پای او می‌چسباند، و اگر کسی بخواهد ایـن

۱ - (صحیح) ابوداود طیالسی در مسندش حدیث شمارۀ ۲۱۰۸ .

۲ - بخاری حدیث شمارۀ ۶۹۲ و مسلم حدیث شمارۀ ۴۳۴ .

۳ - (صحیح) ابن‌ابی‌شیبه در "المصنف" حدیث شمارۀ ۳۵۲۴ .

کار را امروز (زمان أنس ﷺ) انجام دهد، چنان متنفـر و بیـزار مـی شوید مثل اینکه قاطر کینه توز می‌باشد».

در اجر پُر کردن جاهای خالی میان صفها آمده که پیامبرﷺ می فرمایند: « هر کس جای خالی را پُر کند، خداوند با آن کارش یـک درجه او را بالاتر می‌برد، و خانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد»[1]. و و پیامبر ﷺاز درست نکردن صفها تحذیر داده‌اند و فرموده‌اند: « ای بندگان خدا، صفهای خـود را درسـت و مرتـب می‌کنیـد، یـا اینکـه خداوند میان صورتهای شما اخـتلاف و تفرقـه می‌انـدازد »[2]. و در روایت دیگری از نعمـان بـن بشـیرﷺ آمـده اسـت کـه می‌گویـد:

---

۱ - (حسن) ابن ماجه حـدیث شـمارۀ ۹۹۵ و طبرانـی در "الأوسـط" حـدیث شمارۀ ۵۷۹۷ و ابن‌ابی‌شیبه در "المصنف" حدیث شمارۀ ۳۸۲۴.

۲ - بخاری حدیث شمارۀ ۶۸۵ و مسلم حدیث شمارۀ ۴۳۶ .

فائده: در این حدیث اشاره‌ای است به اینکه درست بـودن ظـاهر مسـلمانان، یکی از اسباب درست شدن بـاطن و درون آنهاسـت. همچنـین در ایـن حـدیث اشاره‌ای به ضروری بودن درست کردن صفهای نماز است.

پیامبرﷺ رو به ما کردند و فرمودند: «أقیمـوا صـفوفکم (ثلاثـا) والله لتقیمن صفوفکم أو لیخالفن الله بین قلـوبکم»[١]: « صـفهای خـود را درست و مرتب کنید – سه بار این جمله را تکرار کردند – ، قسم به خدا صفهای خود را درست و مرتب می کنید یا اینکه خداوند میـان قلبهای شما تفرقه و اختلاف می اندازد».

توجه: در هنگام نماز جماعـت صـف بسـتن میـان سـتونهای مسجد جایز نیست، مگر اینکه ضرورت و کم بودن جا آن را ایجاب کند، از قرّة بن إیاس رضی الله عنه روایت است که می‌گویـد: « مـا در زمـان پیامبر ﷺ از صف بستن میان ستونها نهی می‌شدیم و ما را از آنجا به طور شدید می‌راندند»[٢].

---

١ – (صحیح) ابن خزیمه حدیث شمارهٔ ١٦٠ و ابن حبان حدیث شمارهٔ ٢١٧٦.

٢ – (صحیح) ابن خزیمه در کتاب صحیحش حدیث شمارهٔ ١٥٦٧ و ابن حبـان حدیث شمارهٔ ٢٢١٩ و حاکم در "المستدرک" حدیث شمارهٔ ٧٩٤ .

تکبیرة الإحرام

۵- نمازگزار باید تکبیر[۱] را بر زبان جاری و تلفظ کند و بلند گفتن آن شرط نمی‌باشد.

۶- اگر انسان لال و گنگ باشد، تکبیر را در قلب خود قصد و اراده می‌کند.

۷- سنت است نمازگزار هنگام تکبیرة الإحرام و رفتن به رکوع و بالا آمدن از رکوع دستان خود را تا شانه[۲] و یا برابر نرمهٔ گوش بالا بیاورد[۳] و هنگام بالا بردن انگشتان خود را باز و کشیده

---

۱ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۶۱ و ترمذی حدیث شمارهٔ ۳.

۲ - بخاری حدیث شمارهٔ ۷۰۲ و مسلم حدیث شمارهٔ ۳۹۰.

۳ - مسلم از مالک بن حویرث رضي الله عنه حدیث شمارهٔ ۳۹۱ .

می‌کند به گونه‌ای که نه سخت به هم چسبیده و نه فاصله داشته باشد[۱].

۸- سپس کف دست راست خود را بر پشت کف دست چپ و مچ و ساعد می گذارد[۲]. و یا اینکه مچ دست چپ را با کف دست راست می گیرد[۳] و دستان خود را روی سینهٔ خود می گذارد[۴].

۹- بهتر است که به هنگام نماز خواندن به سجده گاه نگاه شود، زیرا عائشه رضی الله عنها می‌گوید: « هنگامی که پیامبر ﷺ داخل کعبه شدند، چشمانشان تا زمانی که از آنجا بیرون آمدند، به

---

۱ - (صحیح) ابن خزیمه حدیث شمارهٔ ۴۵۹ و حاکم حدیث شمارهٔ ۸۵۶.

۲ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۷۲۷ و نسائی حدیث شمارهٔ ۸۸۹ و ابن‌خزیمه حدیث شمارهٔ ۴۸۰ و ...

۳ - (صحیح) نسائی حدیث شمارهٔ ۸۸۷ و دارقطنی ۲۸۶/۱.

۴ - (حسن) ابوداود حدیث شمارهٔ ۷۵۹ و ابن خزیمه حدیث شمارهٔ ۴۷۹.

غیر از سجده گاهشان به جایی دیگر نرفت»[1]. و پیامبر ﷺ ما را از نگاه کردن به آسمان در هنگام نماز[2] و از نگاه کردن به اطراف خود نهی کرده‌اند[3].

---

۱ - (حسن) حاکم در "المستدرک" حدیث شمارۀ ۱۷۶۱.

۲ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۱۷ و مسلم حدیث شمارۀ ۴۲۸.

۳ - (صحیح) ترمذی حدیث شمارۀ ۲۸۶۳ و ابن خزیمه حدیث شمارۀ ۴۸۳ و ابن حبان حدیث شمارۀ ۶۲۳۳ و حاکم حدیث شمارۀ ۱۵۳۴.

دعای استفتاح

۱۰- نمازگزار بعد از تکبیرة الإحرام دعای استفتاح می‌خواند، و این دعا سنت است. و صیغه‌های این دعا مختلف می‌باشد از آنها: « وَجَّهْتُ وَجْهِی لِلَّذِی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِیفًا وَمَا أَنَا مِنْ الْمُشْرِکِینَ إِنَّ صَلَاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذَلِکَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنْ الْمُسْلِمِینَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِکُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ رَبِّی وَأَنَا عَبْدُکَ ظَلَمْتُ نَفْسِی وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِی فَاغْفِرْ لِی ذُنُوبِی جَمِیعًا إِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ وَاهْدِنِی لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ لَا یَهْدِی لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ وَاصْرِفْ عَنِّی سَیِّئَهَا لَا یَصْرِفُ عَنِّی سَیِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ لَبَّیْکَ وَسَعْدَیْکَ وَالْخَیْرُ کُلُّهُ فِی یَدَیْکَ وَالشَّرُّ لَیْسَ إِلَیْکَ أَنَا بِکَ وَإِلَیْکَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ أَسْتَغْفِرُکَ وَأَتُوبُ إِلَیْکَ»[1] و همچنین «اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَیْنِی وَبَیْنَ خَطَایَایَ کَمَا بَاعَدْتَ بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اللَّهُمَّ نَقِّنِی

---

۱ – مسلم حدیث شمارة ۷۷۱ .

مِنْ الْخَطَايَا كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنْ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ اغْسِلْ خَطَايَای بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ»[۱] و نیز «سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِکَ تَبَارَکَ اسْمُکَ وَتَعَالَى جَدُّکَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُکَ»[۲].

۱۱- قبل از خواندن سورۀ فاتحه در هر رکعت می‌گوید: «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم » یا « أعوذ بالله السَّمِیع العَلِیم مِنَ الشَّیطانِ الرَّجِیم مِنْ هَمْزِهِ و نَفْخِهِ و نَفْثِهِ[۳] »[۴].

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۱۱ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۹۸ .

۲ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۷۷۶ . و در روایت دیگری نزد ابوداود حدیث شمارۀ ۷۷۵ بعد از این دعاء آمده است که سه بار " لا إله إلا الله" و سه بار " الله أکبر کبیرا" ... گفته می‌شود.

۳ - هَمْزِهِ یعنی نوعی دیوانگی و نَفْخِهِ یعنی کِبر و نَفْثِهِ یعنی شِعْر بد و مَذْمُوم.

۴ - (حسن) ابوداود حدیث شمارۀ ۷۷۵ و ترمذی حدیث شمارۀ ۲۴۲ .

قرائت سورۀ فاتحه

۱۲- سپس سورۀ فاتحه را با "بسم الله الرحمن الرحیم" آغـاز می‌کند، چون "بسم الله الرحمن الرحیم" آیه‌ای از سورۀ فاتحـه مـی باشد همان گونه که پیامبر ﷺ می‌فرمایند:« إذا قـرأتم ﴿الحمـد لله﴾ فاقرءوا ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ إنها أم القرآن وأم الكتاب والسبع المثاني و﴿ بسم الله الرحمن الرحيم﴾ إحداها»[1] : « اگر سورۀ فاتحه را خواندید پـس "بسـم الله الـرحمن الـرحیم"را بخوانیـد چـون آن [فاتحه] مادر قرآن و مادر کتاب و سبع[2] المثانی[3] و بسم الله الرحمن

---

۱ - (حسن) بیهقی حدیث شمارۀ ۲۲۱۸ و دارقطنی ۳۱۲/۱.

۲ - یعنی هفت و مقصود از هفت شاید هفت آیه بودن این سوره باشد.

۳ - گفته شده که معنای مثانی، درود و ثناء بر خداوند است و بعضی گفته‌اند بـه معنای تکرار می‌باشد چون در هر رکعت نماز تکرار می‌شود و گفته شده است که خاص بودن این سوره برای این امت می‌باشد.

الرحیم یکی از آیه‌های آن می‌باشد».

ولی اگر فردی امام باشد "بسم الله الرحمن الرحیم" را آشـکارا و بلند نمی‌خواند چون از أَنَسِ بْنِ مَالِک روایت است که مـی‌گویـد: «صَلَّيْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ ﷺ وَأَبِى‌بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ فَكَانُوا يَسْتَفْتِحُونَ بِ "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" لَا يَذْكُرُونَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِى أَوَّلِ قِرَاءَةٍ وَلَا فِى آخِرِهَا»[1]: « اَنَس رضی الله عنه می‌گوید: پشت سـر پیـامبر ﷺ و ابوبکر وعمر و عثمان نماز خواندم همهٔ آنها نماز خود را با "الحمـد لله رب العالمین" آغاز می‌کردند و"بسم الله الـرحمن الـرحیم " را در اوّل و در آخر این سوره نمی‌خواندند».

سنت است که نمازگزار بعد از اتمام قرائت سورهٔ فاتحه و گفتن و ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ "آمین" بگوید. زیرا پیامبرﷺ هنگامی کـه قرائـت سورهٔ فاتحه را تمام می‌کردنـد، بـا صـدای بلنـد و کشـیده "آمِـین"

---

١ - بخاری حدیث شمارهٔ ٧١٠ و مسلم حدیث شمارهٔ ٣٩٩ .

می‌گفتند[۱]. و پیامبر ﷺ فرموده‌اند: « هرگاه امام ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴾گفت، پس "آمِین" بگویید ... »[۲]. و در روایت دیگری آمده است: « هرگاه امام "آمِین" گفت شما هم "آمِین" بگویید، زیرا هرکس که آمینش با آمین فرشتگان هماهنگ گردد، گناهان گذشته‌اش مورد عفو قرار می‌گیرد»[۳].

توجه: آمین گفتن با صدای بلند برای امام[۴] و مأمومین[۵] سنت است.

---

۱ – (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۹۳۲ و دارمی حدیث شمارهٔ ۱۲۴۷ و نسائی حدیث شمارهٔ ۸۷۹ و ترمذی حدیث شمارهٔ ۲۴۸ .

۲ – بخاری حدیث شمارهٔ ۷۴۹ .

۳ – مسلم حدیث شمارهٔ ۴۱۰ .

۴ – (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۹۳۲ و دارمی حدیث شمارهٔ ۱۲۴۷ و نسائی حدیث شمارهٔ ۸۷۹ و ترمذی حدیث شمارهٔ ۲۴۸ .

۵ – (صحیح) بیهقی حدیث شمارهٔ ۲۲۸۴ .

۱۳- خواندن سورهٔ فاتحه یکی از ارکـان نمـاز مـیباشـد[۱]. و کسی که نمی‌تواند فاتحه را بخواند باید سورهٔ دیگری اگر حفظ دارد بخواند و یا اینکه به جای آن بگوید " سبحان الله و الحمد لله و لا اله اِلّا الله و الله اکبر و لا حَولَ و لا قُوَّةَ اِلّا بالله "[۲] و بر او واجب است که هر چه زودتر این سوره را حفظ کند.

۱۴- بعد از قرائت سورهٔ فاتحه سـورهٔ دیگـری از قـرآن مـی خواند. و خواندن سوره‌ای از قرآن بعد از سورهٔ فاتحه سنت است[۳].

۱۵- اگـر در هنگام خواندن قرآن در نماز با اشکالی بر خورد کرد یا وسوسه‌ای از شیطان به او رسید می‌گویـد " أعـوذ بـالله مِـنْ

---

۱ - بخاری حدیث شمارهٔ ۷۲۳ و مسلم حدیث شمارهٔ ۳۹۴ .

۲ - (حسن) ابوداود حدیث شمارهٔ ۸۳۲ و نسائی حدیث شمارهٔ ۹۲۴ و ابن‌حبان حدیث شمارهٔ ۱۸۰۹.

۳ - بخاری حدیث شمارهٔ ۷۳۸.

خِنْزِبْ " سپس به سمت چپ خود سه بار تف می‌کند (با بیرون آوردن کمی آب دهان از میان دندانها)[۱].

۱۶- نمازگزار پس از قرائت سورهٔ بعد از فاتحه کمی مکث می‌کند[۲] و سپس تکبیر می‌گوید و دستهای خود را تا دوش یا نرمهٔ گوش، همان گونه که در مبحث تکبیرة الإحرام بیان شد بالا می آورد.

توجه: گفتن تکبیر برای انتقال و رفتن به هر یک از ارکان نماز مثل سجده و رکوع و ... واجب است، زیرا آن شخصی که در حضور پیامبر ﷺ در نمازش دچار اشتباه شد، پیامبرﷺ به او امر کردند که تکبیرات انتقال را بگوید[۳].

---

۱ - مسلم حدیث شمارهٔ ۲۲۰۳ .

۲ - (حسن) ابوداود حدیث شمارهٔ ۷۷۷ و ابن خزیمه حدیث شمارهٔ ۱۵۷۸ و ابن حبان حدیث شمارهٔ ۱۸۰۷ و حاکم حدیث شمارهٔ ۷۸۰ .

۳ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۸۵۷ .

رکوع

۱۷- نمازگزار باید کمر خود را در رکوع صاف (یعنـی پهـن و هموار) کند و انگشتان دست خود را باز کرده و روی زانو بگذارد[۱] و دستهای خود را نباید به پهلو بچسباند[۲].

۱۹- اذکاری که مستحب است در رکوع گفته شود ایـن گونـه می‌باشد: **"سُبْحَانَ رَبِّـیَ العَظِـیم"**[۳] سـه بـار[۴] و گـاهی بیشـتر از آن پیامبرﷺ در رکوع تکرار می‌کردنـد[۵] و یـا **"سُـبْحَانَ رَبِّـیَ العَظِـیم و**

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۹۴ .

۲ - (صحیح) ترمذی حدیث شمارۀ ۲۶۰ و ابن خزیمه حدیث شمارۀ ۶۲۵ و ابن حبان حدیث شمارۀ ۱۸۶۷ .

۳ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۸۷۱ و ترمذی حدیث شمارۀ ۲۶۲ .

۴ - (صحیح) ابن ماجه حدیث شمارۀ ۸۸۸ .

۵ - (حسن) نسائی حدیث شمارۀ ۱۱۳۵ .

بِحَمْدِه" [۱] و یا" سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ "[۲] و یا "سُبْحَانَ ذِی الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ "[۳] و یا "اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعَ لَكَ سَمْعِی وَ بَصَرِی وَ مُخِّی وَ عَظْمِی وَ عَصَبی"[۴].

---

۱ - (حسن) ابوداود حدیث شمارهٔ ۸۷۰ و بیهقی حدیث شمارهٔ ۲۳۸۹ و شواهد آن نزد دارقطنی (۳۴۱/۱).

۲ - مسلم حدیث شمارهٔ ۴۸۷.

۳ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۸۷۳ و نسائی حدیث شمارهٔ ۱۱۳۲ . و معمولاً پیامبر ﷺ این ذکر را در نماز شب در رکوع تکرار می‌کردند و عوف بن مالک می‌گوید پیامبرﷺ وقتی رکوع رفتند به اندازهٔ سورهٔ بقره در آنجا مکث نموده و این ذکر را تکرار می‌کردند.

۴ - مسلم حدیث شمارهٔ ۷۷۱.

۲۰- خواندن قرآن در رکوع و سجود جایز نمـی‌باشـد، زیـرا پیامبر ﷺ از آن نهی کرده‌اند[۱].

۲۱- نمازگزار هنگام بـالا آمـدن از رکـوع "**سَـمِعَ اللَّـهُ لِمَـنْ حَمِدَه**"[۲] می‌گوید. و در هنگام بالا آمدن دستهای خود را همان گونـه که بیان شد تا دوش یا نرمهٔ گوش بالا می‌آورد.

---

۱ - مسلم حدیث شمارهٔ ۴۷۹.

۲ - بخاری حدیث شمارهٔ ۶۵۷ و مسلم حدیث شمارهٔ ۳۹۲ .

ایستادن پس از رکوع

۲۲- نمازگزار هنگام راست ایستادن بعد از رکوع " **رَبَّنَا وَلَکَ الْحَمْدُ**"[۱] می‌گوید. و مستحب است بعد از آن بگوید "**مِلْءُ السَّمَاوَاتِ وَمِلْءُ الْأَرْضِ و ما بینهما وَمِلْءُ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ** "[۲] و نیز مستحب است که به آن اضافه کند و بگوید" **أَهْلَ الثَّنَاءِ وَالْمَجْدِ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ** "[۳] و نیز مستحب است که بگوید: "**رَبَّنَا وَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً كَثِيراً طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ [مباركاً عليه كما يُحِبُّ ربنا ويرضى]**"[۴]. و در این رکن

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۶۵۷ و مسلم حدیث شمارۀ ۳۹۲ .

۲ - مسلم حدیث شمارۀ ۴۷۶ و ۷۷۱.

۳ - مسلم حدیث شمارۀ ۴۷۷ .

۴ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۶۶ . و زیادی در حدیث از روایت نسایی حدیث شمارۀ ۹۳۱ و ابوداود حدیث شمارۀ ۷۷۳ با سند حسن است. و در این روایت

=

همان گونه که در رکوع گفته شد باید آرامش خود را نیز حفظ کـرد تا اینکه همهٔ استخوانهای بدن به جاهای خودش برگردد.

آمده است که پیامبر ﷺ سؤال کردند که چه کسی پشت سـر مـن ایـن جملـه را خواند؟ آن مرد گفت: ای رسول الله من بودم، رسول الله ﷺ فرمودند: «من حدود سی و اندی فرشته را دیدم که برای نوشتن آن از یکدیگر سبقت می‌گرفتند».

سجده

۲۳- نمازگزار هنگام رفتن به سجود " الله اکبر" مـی‌گویـد. و هنگام پایین آمدن دستان خود را بر پاها مقدم می‌کند همان طور که در حـدیث صـحیح آمـده کـه پیـامبر ﷺ دسـتان خـود را قبـل از زانوهایش به زمین می‌گذاشت [۱]. و پیـامبر ﷺ از پـایین آمـدن روی زمین مانند شتر نهی کرده‌اند و فرموده‌اند: « دستان خودتان را قبـل از پاهایتان روی زمین بگذارید »[۲]. و شتربانان نیز می‌گویند شتر بـا پاهای خود به زمین فرود می‌آید و پاهای شتر در جلو او می‌باشـد[۳] و این مطلب از عده‌ای از صحابه نیز نقل شده است. و سنت است که

---

۱ - (صحیح) ابن خزیمـه حـدیث شـمارۀ ۶۲۷ و دارقطنـی (۳۴۴/۱) و حـاکم حدیث شمارۀ ۸۲۱ .

۲ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۸۴۰ و نسائی حدیث شمارۀ ۱۰۹۱ .

۳ - لسان العرب (۳۹۸/۱۰) .

با کف دست به زمین فرود آید[۱] و انگشتان دست خود را در هنگـام پایین آمدن به هم چسبانده[۲] و آنها را رو به سوی قبله کند[۳].

۲۴- سپس هنگام سجده کردن کف دستانش را برابر شانه[۴] یـا گوشهایش[۵] قرار می‌دهد و بینی و پیشـانیش را اسـتوار و کامـل بـر زمین می‌گذارد[۶]. و در سجود باید زانوها و نوک پـاهـا را محکـم و

---

۱ - (صحیح) بیهقی حدیث شمارۀ ۲۵۰۰ و ابن خزیمـه ۶۳۹ و حـاکم حـدیث شمارۀ ۸۲۴ .

۲ - (صحیح) ابن خزیمه حدیث شمارۀ ۶۴۲ و ابن حبان حدیث شمارۀ ۱۹۲۰ و حاکم حدیث شمارۀ ۸۲۶ .

۳ - (صحیح) بیهقی حدیث شمارۀ ۲۵۲۷ وابن‌ابی شیبه حدیث شمارۀ ۲۷۱۶ .

۴ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۷۳۴ و ترمذی حدیث شمارۀ ۲۷۰ .

۵ - (حسن) ابن حبان حدیث شمارۀ ۱۸۶۰ و نسائی حدیث شمارۀ ۸۸۹.

۶ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۷۳۴ و ترمذی حدیث شمارۀ ۲۷۰ .

استوار بر زمین گذاشت[1] و سر انگشتان پاها را بسوی قبله کـرد[2] و پاشنۀ پاها را به یکدیگر چسباند[3] و پاها را نصب کرد[4] و پیـامبر ﷺ بر این هفت عضو سجده می‌کردند یعنی دو کف دسـت و دو زانـو و دو پا و پیشانی و بینی؛ و پیامبر ﷺ پیشانی و بینی را یک عضـو بـه حساب می‌آوردند، چنان که فرموده‌اند:« به من دستور داده شده کـه بر هفت عضو و استخوان، سجده کنم : بر پیشانی (و در اینجا پیـامبر ﷺ به بینی خود اشاره نمودند)، دو دست، دو زانو، نوک دو پا، و نیـز به من دستور داده شده است که (به هنگام رکوع و سجود) لباسها و

---

۱ - (صحیح) ابن حبان حدیث شمارۀ ۱۸۶۶ و بیهقی حدیث شمارۀ ۲۴۷۶.

۲ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۹۴ .

۳ - (صحیح) ابن حبان حدیث شمارۀ ۱۹۳۳ و ابن خزیمه حدیث شمارۀ ۶۵۴ و حاکم حدیث شمارۀ ۸۳۲ .

۴ - مسلم حدیث شمارۀ ۴۸۶ .

موها را جمع نکنیم»[۱].

۲۵- سنت است در سجده دستها را از پهلو دور نگهداشت همان طور که از پیامبر ﷺ نقل شده که طوری سجده می‌کردند که سفیدی زیر بغلش از پشت به چشم می‌خورد[۲] و باید در سجود آرامش خود را حفظ کرد و نباید دستها را مثل سگ روی زمین فرش کرد (یعنی ساعد را روی زمین قرار ندهد)[۳].

۲۶- اذکار سجود نیز متفاوت می‌باشد و از جملهٔ اذکار سجود، گفتن سه بار[۴] **"سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلَى"** می‌باشد[۵]. و می‌توان این ذکر را

---

۱ - بخاری حدیث شمارهٔ ۷۷۹ و مسلم حدیث شمارهٔ ۴۹۰ .

۲ - بخاری حدیث شمارهٔ ۳۳۷۱ و مسلم حدیث شمارهٔ ۴۹۵ .

۳ - بخاری حدیث شمارهٔ ۷۸۸ و مسلم حدیث شمارهٔ ۴۹۳ .

۴ - ابن ماجه حدیث شمارهٔ ۸۸۸ .

۵ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۸۷۱ و ترمذی حدیث شمارهٔ ۲۶۲ .

بیشتر از سه بار تکرار کرد[۱]. و از اذکـــار سـجود، گفتـــن سـه بـار **"سُـبْحَانَ رَبِّـیَ الأَعْلَـی و بِحَمْـدِهِ"**[۲] و گفـتن **"سُـبُّوحٌ قُـدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ"**[۳] و **"سُبْحَانَ ذِی الْجَبَـرُوتِ وَالْمَلَكُـوتِ وَالْكِبْرِیَـاءِ وَالْعَظَمَةِ"**[۴] و **"اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی ذَنْبِی كُلَّهُ دِقَّهُ وَ جِلَّهُ وَ أَوَّلَـهُ وَآخِـرَهُ وَ عَلَانِیَتَهُ وَ سِرَّهُ"**[۵] و **"اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْـتُ وَلَـكَ أَسْـلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِی لِلَّذِی خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَـقَّ سَـمْعَهُ وَبَصَـرَهُ تَبَـارَكَ اللَّـهُ أَحْسَنُ الْخَـالِقِینَ"**[۶] می‌باشد. و همان طور که گفته شد خواندن قـرآن

---

۱ - (حسن) نسائی حدیث شمارهٔ ۱۱۳۵ .

۲ - (حسن) ابوداود حدیث شمارهٔ ۸۷۰ و بیهقی حدیث شمارهٔ ۲۳۸۹ و شـواهد آن نزد دارقطنی (۳۴۱/۱).

۳ - مسلم حدیث شمارهٔ ۴۸۷ .

۴ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۸۷۳ و نسائی حدیث شمارهٔ ۱۱۳۲ .

۵ - مسلم حدیث شمارهٔ ۴۸۳ .

۶ - مسلم حدیث شمارهٔ ۷۷۱ .

در سجده جایز نمی‌باشد[1]. و باید تا آنجایی که مـی‌تـوان در سـجده دعا کرد چون پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «نزدیکترین موقعی که یک بنده به پروردگارش می‌باشـد هنگـام سـجدۀ اوسـت؛ پـس زیـاد دعـاء کنید»[2].

۲۷- از فضائل سجده این اسـت کـه پیـامبر ﷺ مـی‌فرماینـد: «زمانی که خداوند می‌خواهد شفقتی در حق بعضـی از گناهکـاران مسلمان که در دوزخ بسر مـی‌برنـد، بنمایـد، بـه فرشـتگان دسـتور می‌دهد، که آنها را از دوزخ بیرون بیاورید، فرشتگان از آثار سـجود، آنها را تشخیص می‌دهند، زیرا آتش دوزخ تمام جسم آدمـی را مـی سوزاند جز آثار سجود، که سالم می‌ماند»[3].

---

۱ - مسلم حدیث شمارۀ ۴۷۹.

۲ - مسلم حدیث شمارۀ ۴۸۲ .

۳ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۷۳ و مسلم حدیث شمارۀ ۱۸۲ .

نشستن پس از سجده

۲۸- سپس با " الله اکبر " گفتن از سجود بالا می‌آید[۱] و پـای چپ خود را پهن می‌کند وراحت بر آن مـی‌نشـیند[۲] و پـای راسـت خود را نصب می‌کند[۳] و انگشتان پـایش را رو بـه قبلـه می‌کنـد[۴]. و گاهی پیامبر ﷺ روی انگشتان و نوک پا قرار می‌گرفت و بر پاشنه‌ها می‌نشست[۵].

۲۹- پیامبر ﷺ در میان دو سـجده، طـوری مـی‌نشسـت کـه اعضای بدنش از حرکت باز می‌ایستادند و هر یک از استخوانها سـر

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۵۶ .

۲ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۹۴ و مسلم حدیث شمارۀ ۴۹۷ .

۳ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۹۳ و مسلم حدیث شمارۀ ۴۹۸ .

۴ - (صحیح) نسائی حدیث شمارۀ ۱۱۵۸ .

۵ - مسلم حدیث شمارۀ ۵۳۶ .

جایشان بر می‌گشتند[1] و می‌گفت: «**رَبِّ (یا اللهم) اغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی وَاجْبُرْنِی وَارْفَعْنِی وَارْزُقْنِی واَهْدنِی و عَافِنِی**»[2].

۳۰- سپس با " الله اکبر " گفتن به سجده می‌رود و همان اعمالی که در سجدهٔ اوّل انجام داده است انجام می‌دهد.

۳۱- بعد از سجده با گفتن " الله اکبر " بالا می‌آید و سنت است که کمی روی پای چپ بنشیند تا اینکه استخوانهایش سر جایشان برگردند[3].

---

۱ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۷۳۰ و دارمی حدیث شمارهٔ ۱۳۵۶.

۲ - (حسن) ابوداود حدیث شمارهٔ ۸۵۰ و ترمذی حدیث شمارهٔ ۲۸۴ و ابن ماجه حدیث شمارهٔ ۸۹۸ و احمد حدیث شمارهٔ ۳۵۱۴ و حاکم حدیث شمارهٔ ۹۶۴ ....

۳ - بخاری حدیث شمارهٔ ۷۸۹ .

ایستادن پس از سجده

۳۲- سپس با اعتماد بر زمین بلند می‌شود[1] و سـنت اسـت بـا مچ دست بلند شود همان گونه که عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما می گوید:« پیامبر ﷺ طوری بر می‌خواست مثل اینکه خمیر را نرم مـی کند»[2].

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۹۰ و نسائی حدیث شمارۀ ۱۱۵۳ .

۲ - (صحیح) طبرانی در "الأوسط" حدیث شمارۀ ۴۰۰۷ و ابواسحاق حربی در "غریب الحدیث" (۵۲۵/۲) . و معنای آن نیـز نـزد بیهقـی در "سـنن الکبـری" حدیث شمارۀ ۲۶۳۲ با سند صحیح می‌باشد.

توجـه: این حدیث را عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما نقل می‌کند و امّا حـدیثی که در این باره از عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهما آمده است ضعیف مـی‌باشـد و ابـن حجـر در "تلخـیص الحبیـر" (۲۶۰/۱) بـه تضـعیف حـدیث ابـن عبـاس رضی‌الله‌عنهما توسط نووی و ابن الصلاح نیز اشاره کـرده اسـت و در الفـاظ آن حدیث نیز اختلاف وجود دارد. و در روایت بیهقی آمده است که اعتماد ابن عمر

=

۳۳- واجب است که در هر رکعت از نماز سورۀ فاتحه تلاوت شود. و سنت است[1] که در دو رکعتِ اوّل نمازهای فرض بعد از تلاوت سورۀ فاتحه، سورۀ دیگری تلاوت شود و در دیگر رکعات نماز به قرائت سورۀ فاتحه اکتفا می‌شود[2]. از ابوقتاده ﷺ روایت است که گوید: «پیامبرﷺ در دو رکعت اوّل از نماز ظهر و عصر، سورۀ فاتحه و سورۀ دیگری تلاوت می‌کرد که گاهی آیاتی از آن ما را می‌شنواند. و در دو رکعت آخر نماز سورۀ فاتحه تلاوت می‌کرد»[3].

رضی الله عنهما از روی پیریِ او نبوده است.

۱ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۷۹۳ و ابن خزیمه حدیث شمارۀ ۱۶۳۴.

۲ - (صحیح) احمد در مسندش حدیث شمارۀ ۱۹۰۱۷ و ابن حبان حدیث شمارۀ ۱۷۸۷ .

۳ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۲۵ و مسلم حدیث شمارۀ ۴۵۱ .

تشهد اوّل

۳۴- واجب است که بعد از رکعت دوم بـرای خوانـدن تشـهد بنشیند و شیوۀ نشستن در این تشهد و همچنین در تشهد نماز صـبح بدین صورت است که: پای چپ را فرش کند و بر آن بنشیند و پـای راست را نصب کند همان‌گونه که در میان دو سجود می‌نشست[۱].

۳۵- سنت است نمازگزار کف دسـتانش را روی دو ران پـای خود بگذارد[۲] و سپس انگشـتان دسـت راسـتش را مـچ کنـد. و در روایاتی آمـده کـه پیـامبر ﷺ انگشـت ابهام(شسـت) خـود را روی انگشت وسط دست خود قرار مـی‌داد[۳] و گـاهی آن را بـه صـورت

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۹۴.

۲ - مسلم حدیث شمارۀ ۵۸۰ .

۳ - مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۹ .

حلقه در می‌آورد[۱] و با انگشتی که کنار انگشت شست می‌باشد[۲] به سوی قبله اشاره می‌کرد[۳] و به آن می‌نگریست[۴]. و سنت است که در حین تشهد انگشت خودش را اندکی حرکت دهد[۵] و بلند کردن آن در وقت معینی از تشهد در هیچ حدیثی نیامده است.

---

۱ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۷۲۶ و نسائی حدیث شمارهٔ ۸۸۹ و ابن خزیمه حدیث شمارهٔ ۷۱۴ و ابن حبان حدیث شمارهٔ ۱۸۶۰ .

۲ - یعنی انگشت سبّابه یا سبّاحه.

۳ - (صحیح) نسائی حدیث شمارهٔ ۱۱۶۰ و ابن خزیمه حدیث شمارهٔ ۷۱۹ و ابن حبان حدیث شمارهٔ ۱۹۴۷ .

۴ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۹۹۰ و نسائی حدیث شمارهٔ ۱۲۷۵ و ابن خزیمه حدیث شمارهٔ ۷۱۸ و ابن حبان حدیث شمارهٔ ۱۹۴۴ .

۵ - (حسن) دارمیحدیث شمارهٔ ۱۳۵۷ و نسائی حدیث شمارهٔ ۸۸۹ و ابن خزیمه حدیث شمارهٔ ۷۱۴ و ابن حبان حدیث شمارهٔ ۱۸۶۰ .

۳۶- الفاظ تشهد نیز مختلف می‌باشد ولی در معنی با هم هیچ فرقی ندارند و یکی از آنها این گونه می‌باشد:« **التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ** »[1].

۳۷- سنت است در این تشهد بر پیامبر ﷺ صلوات فرستاده شود[2]، چون پیامبر ﷺ در تشهد اوّل و غیر از آن بر خودشان صلوات می‌فرستاند[3] و صیغهٔ صلوات این گونه می‌باشد: «**اللَّهُمَّ صَلِّ**

۱ - مسلم حدیث شمارهٔ ۴۰۳ .

۲ - مسلم حدیث شمارهٔ ۴۰۲ .

۳ - (صحیح) نسائی حدیث شمارهٔ ۱۷۲۰ و ابوعوانه در کتاب مستخرجش بر صحیحین حدیث شمارهٔ ۱۶۳۳، همچنین پیامبر ﷺ بدین این شیوه به صحابه ﷺ یاد داده‌اند، همان طور که با سند صحیح در سنن نسائی حدیث شمارهٔ ۱۱۶۴ آمده است.

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»[1].

۳۸- سپس با گفتن " الله اکبر" و اعتماد بر روی زمین با مچ بلند می‌شود، همان گونه که در رکعت اوّل انجام داد. و در هنگام تکبیر گفتن دستان خود را می‌برد[2] و این کار به دو شکل انجام می‌شود؛ یا اینکه در حال نشستن تکبیر بگوید و دستانش را بالا ببرد و یا بعد از بالا آمدن و در حال ایستادن دستانش را بالا ببرد.

---

۱ - بخاری حدیث شمارهٔ ۳۱۹۰ و مسلم حدیث شمارهٔ ۴۰۶ .

۲ - بخاری حدیث شمارهٔ ۷۰۶ .

تشهد آخر

۳۹- واجب است که در تشهد آخر بنشینیم و بر پیامبر ﷺ درود بفرستیم همان گونه که در تشهد اوّل ذکر کردیم, ولی در اینجا نمازگزار به حالت تورک می‌نشیند یعنی: نشیمن‌گاه چپ را بر روی زمین قرار می‌دهد و پای راستش را نصب می‌کند و پای چپش را در یک طرف قرار می‌دهد[۱] به گونه‌ای که پای چپ را زیر ساق و نشیمن‌گاه و پای راست قرار دهد[۲] و پای راست را نصب[۳] یا فرش[۴] می‌کند. و همچنین زانوی پای چپ را در پنجه (به‌گونه‌ای که لقمهٔ

---

۱ - بخاری حدیث شمارهٔ ۷۹۴.

۲ - مسلم حدیث شمارهٔ ۵۷۹.

۳ - بخاری حدیث شمارهٔ ۷۹۴.

۴ - مسلم حدیث شمارهٔ ۵۷۹

غذا بلند می‌کنیم) می‌گیرد[۱] و بر روی آن تکیه می‌دهد[۲].

۴۰- در تشهد اخیر پیامبر ﷺ به صحابه دستور می‌دادند که به خدا از چهار چیز پناه ببرند، از جهنم و عذاب قبر و فتنهٔ زندگی و مرگ و فتنهٔ دجال و این دعا به این شیوه می‌باشد: **«اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَّالِ»**[۳] [و در روایتی با زیادهٔ **« اللهم اِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ المَأثَمِ و المَغْرَم»**][۴].

پیامبرﷺ دعا کردن بعد از تشهد را تقریر کرده‌اند و یا اینکه خودشان به صحابه یاد می‌دادند و از جملهٔ آنها دعایی می‌باشد که به ابوبکر صدیق ﷺ یاد داده‌اند که بگوید:**«اللَّهُمَّ إِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی**

---

۱ - مسلم حدیث شمارهٔ ۵۷۹ .

۲ - (صحیح) ابوعوانه حدیث شمارهٔ ۱۵۹۳ .

۳ - مسلم حدیث شمارهٔ ۵۸۸ .

۴ - مسلم حدیث شمارهٔ ۵۸۹ و معنای مأثم گناه و مغرم بدهکاری می‌باشد.

ظُلْمًا كَثِيراً وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»[1]. و همچنین دعاهای دیگر همانند: **«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ أَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»**[2].

۴۱- در پایان نماز واجب است که سلام دهد و از پیامبر ﷺ نقل شده است که در پایان نماز با گفتن «السلام علیکم و رحمة الله»[3] نخست، چهره‌اش را به سمت راست بر می‌گرداند (طوری که سفیدی گونهٔ راستش دیده می‌شد) سپس با تکرار «السلام علیکم و رحمة الله» چهره‌اش را به سمت چپ بر می‌گرداند(طوری که سفیدی

---

۱ - بخاری حدیث شمارهٔ ۷۹۹ و مسلم حدیث شمارهٔ ۲۷۰۵ .

۲ - مسلم حدیث شمارهٔ ۷۷۱ .

۳ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۹۹۶ و نسائی حدیث شمارهٔ ۱۳۱۹ و ابن حبان حدیث شمارهٔ ۱۹۹۰ .

گونۀ چپش دیده می‌شد)[۱].

اموری که انجام دادن آن به هنگام نماز خواندن نهی شده است

۱- پیامبر ﷺ از خواندن نماز موقعی کـه غـذا آمـاده باشـد و شدّت ادرار و مدفوع به کسی فشار آورده باشد نهی کرده است[۲].

۲- خواندن نماز برای کسی که خوابش گرفته نهی شده اسـت، پیامبرﷺ می‌فرمایند: « اگر کسی به هنگام شب بلند شـد کـه نمـاز

---

۱ - مسلم حدیث شمارۀ ۵۸۲ .

۲ - مسلم حدیث شمارۀ ۵۶۰.

توجه: در ابتدای این کتاب به اهمیت اوامر پیامبرﷺ اشاره شـد، منهیـات نیـز جزو اوامری از سوی خداوند یا پیامبرش علیه الصلاة و السلام بر ترک یک کـار هستند، که یک فرد مسلمان باید از انجام دادن آنها برحذر باشد، به ویژه در نماز که شاید سبب باطل شدن نماز شود.

بخواند و نداست که به هنگام تلاوت قرآن، چه چیزی روی زبـانش جاریست و ندانست که چه می‌گوید، پس دراز بکشد»[1].

۳- پیامبرﷺ از خواندن نماز با شلوارهایی که روی آن پیراهن نیست نهی کرده‌اند[2].

توجه: یکی از شروط نماز پوشاندن عورت است، که این شرط در شلوارهایی که تنگ یا شفاف هستند حاصل نیسـت، زیـرا شـاید عورت را وصف کنند، در نتیجه سبب باطل شدن نماز می‌شوند.

۴- پیامبرﷺ از انداختن پیراهن یـا جاکـت روی کتـف بـرای مردان به هنگام نماز خواندن و گرفتن جلو دهان توسـط دسـت یـا شال و ... نهی کرده‌اند[3].

---

۱ - مسلم حدیث شمارۀ ۷۸۷.

۲ - (حسن) ابوداود حدیث شمارۀ ۶۳۶ وحاکم حدیث شمارۀ ۹۱۴.

۳ - (حسن) ابوداود حـدیث شـمارۀ ۶۴۳ و ابـن خزیمـه حـدیث شـمارۀ ۹۱۸ وحاکم حدیث شمارۀ ۹۳۱.

۵- پیامبرﷺ از جمع کردن یا بالا زدن آستین پیراهن و شـلوار به هنگام نماز و همچنین جمع کردن موها با دستان به هنگام رکـوع و سجود نهی کرده‌اند[۱].

۶- پیامبر ﷺ ما را از نگاه کردن به آسمان در هنگام نماز نهی کرده‌اند [۲].

۷- پیامبر ﷺ ما را از نگاه کردن به اطراف خود در هنگام نماز نهی کرده‌اند[۳].

۸- از جمله اموری که به هنگام نماز نهی شده کارهایی اسـت که نمازگزار را مشغول می‌کند، مانند بازی کردن با پیراهن یا بدن یـا فرش و... [۱] .

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۷۶ و مسلم حدیث شمارۀ ۴۹۰ .

۲ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۱۷ و مسلم حدیث شمارۀ ۴۲۸.

۳ - (صحیح) ترمذی حدیث شمارۀ ۲۸۶۳ و ابن خزیمه حـدیث شـمارۀ ۴۸۳ و ابن حبان حدیث شمارۀ ۶۲۳۳ و حاکم حدیث شمارۀ ۱۵۳۴.

۹- همچنین پیامبر ﷺ از گذاشتن دست پشت کمر بـه هنگـام نماز خواندن نهی کرده‌اند[۲].

۱۰- در هنگام نماز خواندن یک شخص نباید به طرف قبله و سمت راست خود تف کند، بلکه باید تف خود را بـه سـمت چـپ و زیر پای خود بیاندازد[۳]. و در خارج از نماز نیز انداختن تف به جهت قبله و به سمت راست نهی شده است.

۱۱- اگر کسی در هنگام نماز خواندن خمیازه‌اش گرفت بایـد در حد توانش جلو دهان خود را بگیرد[۴]. و اگر کسی خارج از نمـاز هم خمیازه‌اش گرفت باید جلو دهان خود را بگیرد و علـت نهـی از

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۱۱۴۹ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۴۶.

۲ - بخاری حدیث شمارۀ ۱۱۶۲ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۴۵.

۳ - مسلم حدیث شمارۀ ۳۰۰۸.

۴ - مسلم حدیث شمارۀ ۲۹۹۵.

رها کردن خمیازه این است که خداوند آن را دوست ندارد و شیطان روی انسان می‌خندد[۱].

۱۲- پیامبر ﷺ از تکیه دادن روی دست خود به ویـژه دسـت چپ به هنگام نشستن در نماز نهی کرده‌اند[۲].

۱۳- از عبـدالرحمن بـن شـبل ﷺ روایـت اسـت کـه گویـد: «پیامبر ﷺ از اینکه کسی در نماز همچون کلاغ نوک به زمین زند و دستانش را مانند درندگان روی زمین فرش کند و از اینکه کسـی در مسجد جایی را برای خودش همانند شتر تعیین کند نهی کرده‌اند »[۳].

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۵۸۷۲.

۲ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۹۹۲ و ابن خزیمـه حـدیث شـمارۀ ۶۹۲ و حاکم حدیث شمارۀ ۱۰۰۷.

۳ - (حسن) ابوداود حدیث شمارۀ ۸۶۲ و نسائی حـدیث شـمارۀ ۱۱۱۲ و ابـن خزیمه حدیث شمارۀ ۱۳۱۹ و حاکم حدیث شمارۀ ۸۳۳ .

۱۴- پیامبر ﷺ از خواندن قرآن در رکوع و سجود نهی کرده اند[1].

توجه: در نماز جماعت نباید کسی از امام در ارکان نماز سبقت بگیرد و پیامبرﷺ در این مورد سخن سختی را به میان آورده‌اند و آن را نهی کرده‌اند و فرموده‌اند: « آیا کسی که سرش را قبل از امام بالا می‌آورد نمی‌ترسد که خداوند سرش را به سر الاغ تبدیل کند»[2]. از نظر جمهور ائمه اگر کسی در سلام گفتن از امام سبقت بگیرد و قبل از امام سلام دهد نماز او باطل است. و همهٔ علماء سبقت گرفتن از امام در نماز را حرام دانسته‌اند.

---

۱ - مسلم حدیث شمارهٔ ۴۷۹.

۲ - بخاری حدیث شمارهٔ ۶۵۹ و مسلم حدیث شمارهٔ ۴۲۷.

از جمله آدابِ ادای نماز در جماعت این است که کسـی بـرای رفتن به سوی نمازِ جماعت عجله نکند[۱] و انگشتان خـود را در هـم فرو نبرد[۲]. و همچنین پیاز پخته نشده و سیر و امثال اینهـا کـه بـوی آنها نمازگزاران را اذیت می‌کند نخورده باشد[۳]، اینها مسائلی هسـتند که پیامبرﷺ از انجام دادن آنها ما را نهـی کرده‌انـد و مـا بایـد آن را مراعات کنیم.

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۶۰۹ و مسلم حدیث شمارۀ ۶۰۳.

۲ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۵۶۲ و ترمذی حـدیث شـمارۀ ۳۸۶ و ابـن خزیمه حدیث شمارۀ ۴۴۰ و ابن حبان حدیث شمارۀ ۲۱۴۹.

۳ - بخاری حدیث شمارۀ ۸۱۷ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۶۱.

اموری که نماز را باطل می‌سازد

بعضی از اموری که پیامبرﷺ مـا را از انجـام دادن آن در نمـاز نهی کرده‌اند سبب باطل شدن نماز می‌شود، همانند حرکت بسـیار در نماز و سبقت گرفتن از امام و ... به چند مورد که سبب باطـل شـدن نماز می‌شوند اشاره شد، مثل عبور کردن زن بالغ از جلـو نمـازگزار و... از جمله اموری که در احادیث به آنها اشاره شده که سبب باطل شدن نماز می‌شوند ترک کردن رکنی از ارکان نماز به طور عمد است و به این مسـأله در حـدیث آن صـحابی کـه در جلـو پیـامبرﷺ در نمازش دچار اشتباه شد اشاره شده است. وقتی که آن شخص بعد از ادای نمازش نزد پیامبرﷺ آمـد و نشسـت, پیـامبرﷺ بـه او فرمـود: «برگرد و دوباره نماز بخوان زیـرا تـو نمـاز نخوانـده‌ای»[1]. و ایـن صحابی هر بار کـه نمـازش را می‌خوانـد و نـزد پیـامبرﷺ می‌آمـد

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۷۲۴ و مسلم حدیث شمارۀ ۳۹۷ .

پیامبرﷺ به او دستور می‌دادند که برگردد و دوباره نماز بخوانـد و در بار سوّم آن صحابی گفت: قسم به آن کس که تو را به حقّ فرسـتاده است من بهتر از این نمی‌توانم نماز بخوانم، پس مرا یاد بـده. سـپس پیامبرﷺ به او یاد دادند که چگونه نماز بخواند، از جمله اینکه بعد از ادای هر رکن صبر کند تا اینکه هر عضوی به جای‌گاهش برگـردد و آرامش حاصل شود و سپس به سوی رکن بعدی نمازش برود که آن صحابی، آن را رعایت نمی‌کرد. به همین خاطر بود که پیامبرﷺ به او می‌فرمود: «برگرد و دوباره نماز بخوان زیرا تو نماز نخوانده‌ای».

از جمله اموری که نماز را باطل می‌سازد و علماء راجع بـه آن اجماع نقل کرده‌اند بدین صورت است:

۱) خوردن و آشامیدن به طور عمد.

۲) صحبت کردن به طور عمد.

۳) خنده زدن به هنگام نماز خواندن[1].

---

۱ - "الإجماع" تألیف ابن منذر صفحهٔ ۴۳.

احکام سجدۀ سهو

۱. در صورت شک در ارکان نماز و یا ترک واجبات نماز، انجـام سجدۀ سهو واجب است، زیرا پیامبرﷺ به آن امر کرده‌اند[۱].

۲. سجدۀ سهو قبل از سلام دادن[۲] و بعـد از سـلام دادن[۳] درسـت است. و امام نووی در این رابطه اجماع نقل کرده است[۴].

۳. سجدۀ سهو بدین صورت است که بعد از تمام کردن تشـهد دوّم دو بار سجده کنیم همان گونه که سجده‌های نماز انجام می‌شـوند و بعد از آن بدون خواندن تشهد سلام دهیم[۵]. در صورتی که نمازگزار

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۳۹۲ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۲ .

۲ - مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۱ .

۳ - بخاری حدیث شمارۀ ۳۹۲ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۲ .

۴ - المنهاج شرح برصحیح مسلم تألیف امام نووی (۵/۵۶-۵۷) .

۵ - بخاری حدیث شمارۀ ۳۹۶ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۲ .

پس از سلام دادن به یاد آورد که در نمازش دچار اشتباه شده و یا بر رکعات نماز افزوده است, می‌نشیند و سپس سجدۀ سهو را انجام می‌دهد[۱]. و یا اینکه به هنگام نماز خواندن به یاد آورد که رکنی را در نمازش بیشتر انجام داده است, پس در این صورت دو سجدۀ سهو را انجام داده و سپس سلام می‌دهد[۲].

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۱۱۶۹ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۳ .

۲ - بخاری حدیث شمارۀ ۳۹۶ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۲ .

حالاتی که در آن سجدهٔ سهو مشروع است

۱- در صورتی که قبل از اتمام نماز سلام دهد[1].

۲- در صورتی که کسی رکنی از نمازش را کم انجام داده باشد، پس در این صورت یک رکعت اضافه می‌خواند و سپس سجدهٔ سهو را انجام می‌دهد[2].

۳- در صورت اضافه کردن بر ارکان نماز، مثل زیاد یک کردن یک رکعت بر نماز[3]. پس اگر شخصی برای رکعت پنجم در نماز ظهر ایستاد و متوجه شد که یک رکعت اضافه می‌خواند، فوراً می‌نشیند و تشهد می‌خواند و سپس سجدهٔ سهو را انجام می دهد. همچنین اگر پشت سر امامی نماز بخواند و سپس آن امام

---

۱ - بخاری حدیث شمارهٔ ۱۱۶۹ و مسلم حدیث شمارهٔ ۵۷۳ .

۲ - مسلم حدیث شمارهٔ ۵۷۱ .

۳ - بخاری حدیث شمارهٔ ۳۹۶ و مسلم حدیث شمارهٔ ۵۷۲ .

برای رکعت پنجم بلند شود او می‌نشیند تا اینکه امام سلام دهد و اگر همراه امام ایستاد و در حال ایستادن به یاد آورد که امام یک رکعت اضافه می‌خواند در آن حال هم می‌نشیند.

۴- هنگام فراموش کردن تشهد اوّل[۱].

۵- وقتی که کسی در رکعات و سجده‌های نمازش شک کند[۲]. پس اگر کسی در تعداد سجده‌های نمازش شک کرد که آیا دو سجده انجام داده یا یک سجده، شک خود را روی کم ترین عدد آنها قرار می‌دهد و سپس دو سجدۀ سهو را انجام می‌دهد.

۶- اگر کسی سنتی را در نمازش فراموش کرد می‌تواند سجدۀ سهو را انجام دهد، زیرا پیامبرﷺ می‌فرمایند: « برای هر اشتباهی

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۱۱۶۷ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۰ .

۲ - مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۱ .

در نماز، دو سجدۀ سهو بعد از سلام دادن می‌باشد»[۱]. این حدیث با توجه به احادیثی که از فعل پیامبرﷺ آمده است، دلیلی بر تکرار سجدۀ سهو برای هر اشتباه در نماز نیست. بلکه اگر کسی دچار اشتباهاتی در نماز شد در آخر نماز فقط دو سجدۀ سهو انجام می‌دهد.

توجه: در صورت اشتباه کردن در سجدۀ سهو، دوباره سجدۀ سهو تکرار نمی‌شود.

احادیثی که در رابطه با سجدۀ سهو آمده است نشان می‌دهند که در دو صورت سجدۀ سهو قبل از سلام دادن مؤکد است، اوّل در صورت ترک کردن تشهد اوّل[۲] و دوّم در صورت اینکه در تعداد رکعات یا سجده‌های نمازش شک کند و نتواند

---

۱ - (حسن) ابوداود حدیث شمارۀ ۱۰۳۸ و احمد حدیث شمارۀ ۲۲۴۷۰ و عبدالرزاق حدیث شمارۀ ۳۵۳۳ و طبرانی در "المعجم الکبیر" (۹۲/۲) .

۲ - بخاری حدیث شمارۀ ۱۱۶۷ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۰ .

تشخیص دهد که چندتا بوده است، پس شکش را به یقین می‌رساند و یک رکعت اضافه می‌خواند و قبل از سلام دادن سجدۀ سهو انجام می‌دهد[۱]، ولی اگر توانست تعداد رکعات یا سجده‌های نمازش را تشخیص دهد پس در این صورت بعد از سلام دادن سجدۀ سهو را انجام می‌دهد[۲].

---

۱ - مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۱ .

۲ - بخاری حدیث شمارۀ ۳۹۶ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۷۲ .

احکام نماز بیمار

یک فرد بیمار به انـدازهٔ توانـاییش نمـاز می‌خوانـد، پـس در صورتی که نتواند ایستاده نماز بخواند می‌نشیند و اگر هـم نتوانسـت می‌خوابد[1]. از ابن عمر رضی الله عنهما روایـت اسـت کـه می‌گویـد: پیامبرﷺ روزی به عیادت فردی از اصحابش که مریض بود رفـت و من همراش بودم، پس وقتی نزد او آمد دید که توسـط چـوبی نمـاز می‌خواند و پیشانی‌اش را روی چوب گذاشته است، آنگاه بـه سـوی او رفت و آن چـوب را انـداخت و بالشـی را برداشـت و پیـامبرﷺ فرمود: « آن را کنار بگذار، اگـر توانسـتی روی زمـین سـجده کـن وگرنه با حرکت و اشاره [نماز بخوان]. و سجدهٔ خودت را پایین تـر

---

۱ - بخاری حدیث شمارهٔ ۱۰۶۶ .

از رکوعت قرار بده»[1].

فردی هم که می‌ترسد بیماری‌اش با ایستادن در نماز بیشتر شود می‌تواند بنشیند، زیرا خداوند متعال عبادات را آسان قرار داده و هرکس را در حد توانش مکلف کرده است.

فرد بیمار در صورتی که بتواند با تکیه دادن به عصا یا ستون نماز را به طور ایستاده بخواند، این کار برایش سنت است، زیرا در حدیثی آمده است که پیامبرﷺ وقتی که سنشان بالا رفت و چاق شدند، برای خودشان در جایگاه نمازشان ستونی در نظر گرفتند و به آن تکیه می‌دادند[2].

---

۱ - (حسن) طبرانی در "المعجم الکبیر" حدیث شمارهٔ ۱۳۰۸۲ (۲۶۹/۱۲) و بیهقی حدیث شمارهٔ ۳۴۸۴.

۲ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۹۴۸ و بیهقی حدیث شمارهٔ ۳۳۸۶ و طبرانی در "المعجم الکبیر" حدیث شمارهٔ ۴۳۴ (۱۷۷/۲۵).

ولی در نمازهای سنت نشستن و ایستادن در نماز اختیاری است. از عمران بن حصین روایت است که گوید: از رسول‌الله ﷺ راجع به نماز یک شخص در حال نشستن سؤال کردم؟ فرمودند: «اگر در حال ایستادن نماز بخواند، پس آن بهتر است و کسی که در حال نشسته نماز بخواند، برای او نصف اجر کسی است که در حال ایستاده نماز می‌خواند و کسی که در حالت دراز کشیده نماز بخواند، برای او نصف اجر کسی است که در حال نشسته نماز می‌خواند»[١]. امّا اگر فرد برای نشستنش در نماز عذر داشته باشد اجر کامل برای او نوشته می‌شود[٢].

از عائشه رضی الله عنها روایت است که گوید: وقتی عبدالله بن شقیق العقیلی راجع به نماز پیامبر ﷺ در شب از او سؤال کرد؟

---

١ - بخاری حدیث شمارۀ ١١١٥.

٢ - مسلم حدیث شمارۀ ١٩١١.

گفت:« در شبی به مدّت طولانی ایستاده و در شبی به مدّت طولانی نشسته نماز می‌خواندند وقتی که در حال ایستاده قرائت می‌کردند، رکوع را در حال ایستاده انجام می‌دادند و اگر در حالی که نشسته بودند قرائت می‌کردند، در حالی که نشسته بودند رکوع می‌کردند»[۱].

---

۱ - مسلم حدیث شمارۀ ۷۳۰ .

احکام نماز در سفر

از آنجایی که سفر قطعه‌ای از سختی و عذاب است، خداوند ﻷ برای مسافر استثناهایی قرار داده است. از جمله:

١- قصر کردن نماز چهار رکعتی که در سفر دو رکعت خوانده می‌شود[1].

٢- جمع بین نماز ظهر با عصر و نماز مغرب با عشاء، که در سفر در یکی از وقتهای این نمازها جایز است جمع شوند[2].

٣- امّا نمازهای سنت رواتب مانند قبلیه و بعدیهٔ ظهر و ... بجز قبلیهٔ نماز صبح سنت است که در سفر خوانده نشود[3]، زیرا

---

١ - بخاری حدیث شمارهٔ ٣٧٢٠ و مسلم حدیث شمارهٔ ٦٨٥ .

٢ - بخاری حدیث شمارهٔ ١٠٥٦ و مسلم حدیث شمارهٔ ٧٠٦ .

٣ - بخاری حدیث شمارهٔ ١٠٥٠ و مسلم حدیث شمارهٔ ٦٨٩ .

پیامبر ﷺدر سفر فقط بر نماز وتـر[۱] و قبلیـۀ نمـاز صـبح[۲] مـداومت داشته‌اند. همچنین از استثناهای سفر این است که نمازهای سـنت را به طور مطلق می‌تـوان روی مرکـب خـود بـه هنگـام رفـتن در راه خواند، از عامر بن ربیعه ﷺ روایت است که گوید: «دیدم که رسول الله ﷺ روی شترش نماز سنت می‌خواندند، به هر طرفی که می‌رفتند با سر خود اشاره مـــی‌کردند. و رســول اللهﷺ ایـن کـار را در نمـاز فرض انجام نمی‌دادند»[۳].

۱ – بخاری حدیث شمارۀ ۱۰۴۸ و مسلم حدیث شمارۀ ۷۰۰.

۲ – مسلم حدیث شمارۀ ۶۸۰.

۳ – بخاری حدیث شمارۀ ۱۰۴۶ و مسلم حدیث شمارۀ ۷۰۱.

احکام قصر نماز

قَصر به معنای کوتاه کردن است که در اینجا به مقصود کوتاه خواندن نمازهای چهار رکعتی است که سنت است در سفر نمازهای چهار رکعتی دو رکعت خواند شوند، هرچند که سفر آسان و راحت بوده و مسافر از کسی احساس ترس نکند، زیرا پیامبرﷺ به طور مطلق نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت می‌خواندند و بدین صورت خداوند ﻷ بر ما فرض کرده است. از عائشه رضی الله عنها روایت است که گوید: « وقتی که خداوند نماز را فرض کرد دو رکعت بود، سپس آن را در حضر کامل کرد و نماز در سفر طبق فرض اوّل باقی ماند»[۱]. و از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که گوید: «پیامبرﷺ از مدینه به سفر رفتند و از کسی

---

۱ – بخاری حدیث شمارۀ ۳۴۳ و مسلم حدیث شمارۀ ۶۸۵ .

بجز خداوندﻷ نمی‌ترسیدند و نماز را دو رکعت خواندنـد تـا اینکـه برگشتند»[1].

---

۱ - (صحیح) نسائی حدیث شمارهٔ ۱۴۳۵ ترمذی حدیث شمارهٔ ۵۴۷ .

حدّ سفری که یک مسافر می‌تواند نمازش را قصر کند

علماء در حدّ سفری که یک فرد مسافر مـی‌توانـد نمـازش را قصر کند اختلاف نظر دارند، و بطور خلاصه گفتـه‌هـای آنهـا بـدین صورت است:

اوّلا: بعضی از علماء سفر را مقیّد به وقت و زمان دانسته‌انـد و گفته‌اند: به سفری، سفر گفته می‌شود که مدّت رفـتن بـه آنجـا یـک شبانه روز طول بکشـد و بعضـی گفتـه‌انـد سـه شـبانه روز و ...، و استدلال آنها به حدیثی است از ابـوهریره ﷺ کـه گویـد: پیـامبر ﷺ فرمودند: « درست نیست که زن مسلمانی در مسـیر یـک شـب بـه سفر رود مگر اینکه همراهش مردی که محرمش هست باشـد»[۱]. و در بعضی از الفاظ این حدیث "مسیر یک شـبانه روز" و در بعضـی دیگر "سه شبانه روز" و ... آمده است.

---

۱ – بخاری حدیث شمارۀ ۱۰۳۶ و مسلم حدیث شمارۀ ۱۳۳۹ .

ولی در این حدیث با وجود اختلافـاتی کـه در لفـظ آن اسـت دلیلی بر برداشتی که از آن کرده‌اند نیست، زیرا مسیر یک شبانه روز بر حسب نوع سواریها مختلف است و ضابط مُعیّنی نـدارد و نیـز در این حدیث ذکری از قصر کردن نماز نیست بلکـه هـدف از حـدیث مشروعیّت مَحرم بودن همراه زن در سفر اسـت و همـین حـدیث در بعضی از الفاظ آن به طور مطلق آمده است و قیـدی از روز و شـب در آن نیست[1]. و همچنین این حدیث دلیلی بر این نیست که مسافت کمتر از یک شبانه روز به آن سفر گفتـه نمـی‌شـود. و کافیسـت کـه دانسته شود پیامبرﷺ زمانی که به حج رفتنـد، سـاکنان مکّـه همـراه ایشان به عرفه و سپس به مزدلفه رفتنـد و در هـیچ حـدیثی نیامـده است که پیامبرﷺ به آنها فرموده باشند که نمازشان را کامل بخواننـد بلکه در حقّشان سنت است که نمازشان را به صورت قصر بخواننـد

---

۱ - بخاری حدیث شمارهٔ ۱۷۶۳.

با وجود اینکه مسافت بین مکه و عرفه مسیر نصف روز با رفتن روی پاها و با شتر است و...

دوّما: علمای دیگری سفر را به مسافتِ مقصد مقیّد دانسته‌اند و این نظر جمهور علماست و در مقدار آن مسافت اختلاف نظر دارند، بعضی گفته‌اند این مسافت چهار بُرد است که نزدیک به ۸۹ کیلومتر می‌باشد [۱]. و بعضی دیگر از علماء این را راجح دانسته‌اند که مقدار آن مسافت سه میل[۲] است که نزدیک به ۶ کیلومتر می‌باشد و بعضی دیگر از علماء گفته‌اند که حدّ سفر سه فرسخ است که نزدیک به ۱۷ کیلومتر می‌باشد و ...

---

۱ – ن.ک: فتح الباری ۵۶۷/۲. بعضی دیگر گفته‌اند که چهار بُرد نزدیک به ۷۷ کیلومتر و بعضی گفته‌اند نزدیک به ۷۲ کیلومتر و صحیح از اقوال آنها نزدیک به ۸۹ کیلومتر است.

۲ – میل معروف در زمان قدیم نزدیک به ۱۸۴۸ متر است ولی میل معروف امروزه نزدیک به ۱۶۰۰ متر است.

دلیل آنهایی که حدّ سفر را چهار بُرد یعنی تقریباً ٨٩ کیلومتر دانسته اند بدین صورت است:

از عطاء بن أبی رباح روایت است که گوید: « ابن‌عباس و ابن عمر ﭬ در مسافت چهار بُرد (نزدیک به ٨٩ کیلومتر) و بیشتر از آن، نمازشان را دو رکعت، دو رکعت می‌خواندند و روزۀ خود را افطار می‌کردند»[١].

امّا دلیل آنهایی که حدّ سفر را سه میل (۶ کیلومتر) یا سه فرسخ (١٧ کیلومتر) دانسته‌اند بدین صورت است:

از اَنَس ﭬ روایت است که گوید: « هرگاه پیامبرﷺ به مسیر سه میل –یا سه فرسخ– می‌رفت، نماز را دو رکعت می‌خواند»[٢]، و این شک از شعبه است.

---

١ – (صحیح) بیهقی اثر شمارۀ ٥١٨٠ و به طور معلّق نزد بخاری ٣۶٨/١.

٢ – مسلم حدیث شمارۀ ۶٩١.

این حدیث از لحاظ صحّت, قوی‌تر از احادبث قبلی است، زیرا این حدیث را امام مسلم روایت مـی‌کنـد. و همچنـین ایـن حـدیث مرفوع و اثر قبلی موقوف است. ولی در این آثار دلیلی بر برداشـتی که از آن کرده‌اند نیست، زیرا تحدید مسافت به ویژه در زمان قـدیم, فقط عدّهٔ اندکی از مردم آن را می‌دانستند. و همچنـین در آن دلیلـی بر این نیست که پیامبرﷺ در مسافت کمتر از این نمازشـان را قصـر نمی‌خواندند. و قوی‌ترین حجّت بـر ردّ ایـن اقـوال ایـن اسـت کـه پیامبرﷺ زمانی که به حج رفتند، ساکنان مکّه همراه ایشان به عرفه و سپس به مزدلفه و منی رفتند و در هـیچ حـدیثی نیامـده اسـت کـه پیامبرﷺ به آنها فرموده باشند که نمازشان را کامل بخوانند بلکـه در حقّشان سنت است که نمازشان را به صورت قصر بخوانند با وجـود اینکه مسافت بین مکه و عرفه کمتر از بیست کیلومتر است و مسافت بین منی و مکه کمتر پنج یا شش کیلومتر است و...

سوّماً: بعضی دیگر از علماء، سفر را به عُرف و لغت مقیّد دانسته‌اند، که این گفته قوی‌تر از گفته‌های قبلی است.

ابن حجر عسقلانی در فتح الباری (۵۶۷/۲) گوید: « صحیح در این مسأله این است که سفر مقیّد به مسافت نیست، بلکه با خارج شدن از شهری است که از آن بیرون می‌رود». و بعد از این بر صحّت گفته‌اش، آثاری را از علمای صحابه مانند ابن‌عمر رضی‌الله عنهما و علمای تابعین مانند سعید بن المسیب رحمه‌الله نقل کرده است. و به طور خلاصه آثاری که این گفته را ترجیح می‌دهند بدین صورت است:

۱- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گوید: «نماز در مسیر سه میل (نزدیک به ۶ کیلومتر) قصر می‌شود»[۱].

۱ - (صحیح) ابن ابی شیبه اثر شمارهٔ ۸۱۲۰.

٢- همچنین از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گوید: « من در قسمتی از روز سفر می‌کنم و نمازم را به صورت قصر می‌خوانم»[١].

٣- از نافع روایت است که ابن عمر رضی الله عنهما گوید: «در مکه اقامت داشتند و هرگاه به منی می‌رفتند نمازشان را به صورت قصر می‌خواندند»[٢]. و ...

با وجود اینکه اقوال مذکور دلالتی قاطع بر این رأی دارند ولی اختلافات شدیدی در اقوال صحابه وجود دارد، از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گاهی اگر سفری به مسافت برید (نزدیک به ٢٢ کیلومتر) می‌رفتند نمازشان را قصر نمی‌خواندند[٣]. ابن حجر عسقلانی رحمه الله بعد از اینکه ترجیح دادند که حدّ سفر مقیّد به

---

١ - (صحیح) ابن ابی شیبه اثر شمارهٔ ٨١٣٩.

٢ - (صحیح) ابن ابی شیبه اثر شمارهٔ ٨١٨٤.

٣ - (صحیح) مالک روایت یحیی اثر شمارهٔ ٣٤١.

مسافت نیست با استدلال به اثر اَنَس رضی الله عنه که گوید: « هرگاه پیامبر ﷺ به مسیر سه میل –یا سه فرسخ– می‌رفت، نماز را دو رکعت می خواند»[1]، رأی احتیاط را ترجیح داده‌اند و گفته‌اند : « چون سه میل(نزدیک به ۶ کیلومتر) ضمن سه فرسخ (نزدیک به ۱۷ کیلومتر) است، پس از باب احتیاط حدّ اکثر ترجیح داده می‌شود»[2].

این احتیاط از علامه ابن حجر وجیه است، بدین سبب که مردم برای نزدیک‌ترین جایی که به تفریح می‌روند نمازشان را به صورت قصر نخوانند و ...

فائده: برای اهل مکه که به عرفه و مزدلفه و مِنی می‌روند سنت است که نمازشان را قصر بخوانند, زیرا همهٔ صحابه از جمله اهل مکه همراه پیامبر ﷺ در حج نمازشان را به طور قصر خوانده‌اند، از

---

۱ – مسلم حدیث شمارهٔ ۶۹۱.

۲ – فتح الباری ۵۶۷/۲.

حارثه بن وهب خزاعی رضي الله عنه روایت است که گوید: « پشت سر پیامبر صلى الله عليه وسلم در منی نماز خواندم و چه بسا که مردم زیاد بودند و (پیامبر صلى الله عليه وسلم) نماز را در حجة الوداع دو رکعت خواندند»[1].

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۱۵۷۳ و مسلم حدیث شمارۀ ۶۹۶.

جایی که از آنجا مسافر قصر نمازش را آغاز می‌کند

جمهور علماء بر این رأی هستند که مسافر بعد از مجاوزت شهر و پشت دادن به ساختمانهای آن، اجازه دارد که نمازش را به صورت قصر بخواند و حدیث اَنَس رضی الله عنه نزد بخاری و مسلم بر این مسأله تأکید دارد که گوید: « همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدینه چهار رکعت نماز خواندم و در ذوالحلیفه[۱] دو رکعت»[۲].

توجه: کسی که نمازی را در حضر فراموش کند و آن را در سفر موقعی که از وقتش خارج شده به یاد آورد، در این صورت نماز حضر را می‌خواند، یعنی آن نماز را چهار رکعت می‌خواند[۳]. امّا

---

۱ – ذوالحلیفه میقات گاه حاجیانی است که از مدینه احرام می‌بندند و در فاصلهٔ ده کیلومتری مدینه قرار دارد.

۲ – بخاری حدیث شمارهٔ ۱۰۳۹ و مسلم حدیث شمارهٔ ۶۹۰.

۳ – الإجماع تألیف ابن منذر ص ۴۸.

در صورتی که وقت آن نماز باقی مانده باشد و در سفر آن را به یـاد آورد می‌تواند آن را به طور قصر بخواند، همچنین اگر آن نماز را در وقتی که با نماز بعدی جمع می‌شود در سفر ادراک کند می‌توانـد آن را به صورت قصر بخواند[۱]. و اگر مسـافری بـه هنگـام سـفر، وقـت نمازی را ادراک کند و سپس به محل اقامتش برسد، در این صـورت آن نماز را کامل می‌خواند همان طور که نمازهای حضر خوانده مـی شوند.

---

۱ – المغنی تألیف ابن قدامه ۱۲۸/۲، و از ابن منذر اجماع در ایـن مسـأله نقـل کرده است.

مدّتی که مسافر می‌تواند در سفر نمازش را به صورت قصر بخواند

یک فرد مسافر تا وقتی که نیّت اقامت در یک جا ندارد می‌تواند نمازش را به طور قصر بخواند، ولی اگر مدّت اقامت خود را محدّد کرد در این صورت اجازه ندارد که نمازش را به طور قصر بخواند مگر اینکه شروط یک فرد مسافر[1] را داشته باشد. دلایل این مطلب بدین صورت است:

۲) از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گوید: «پیامبرﷺ به مدّت نوزده روز اقامت کردند و نمازش را به طور قصر خواندند و ما هم اگر به مدّت نوزده روز سفر

۱ - از جمله شروط مسافر احساس عدم استقرار و نداشتن مسکن و قصد رفتن به هنگام اتمام حاجت و ... است.

کریدم نماز را به صورت قصر می‌خوانیم و اگر بر آن مدّت افزودیم نماز را کامل می‌خوانیم»[1].

۲) از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گوید: «به مدّت شش ماه که در آذربایجان در جنگ بودیم, بر ما برف به شدّت فرود آمد و ما نماز را دو رکعت می خواندیم»[2].

۲) همچنین از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گوید: « تا وقتی که قصد اقامت در یک جا نداشته باشم نمازِ مسافر را می‌خوانم، هرچند که آن، مرا دوازده شب نگه دارد»[3].

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۱۰۳۰ .

۲ - (صحیح) بیهقی اثر شمارۀ ۵۲۶۳ .

۳ - (صحیح) مالک روایت یحیی اثر شمارۀ ۳۴۳.

با وجود اینکه سفرهای پیامبر ﷺ زیاد بوده است ولی تحدیدی برای حدّ سفر و مدّتی که یک مسافر در سفرش می‌تواند نمـازش را به طور قصر بخواند نیامده است، که شاید سبب آن تخفیـف سـختیها از روی دوش مسافر باشد. هر مسافری باید بداند که ایـن اخـتلاف نظرها دلیل بر این نیست که هر طوری بخواهد می‌تواند نماز بخواند، بلکه باید یک فرد مسافر تقوای خداوند متعـال را پیشـه گیـرد و در صورتی از این تخفیفات استفاده کند که واقعاً حکم یک فـرد مسـافر را داشته باشد ولی در صورت اقامت در یک جا و وجود مسکن و... هرچند که مـدّت اقـامتش محـدود باشـد، بایـد در ایـن حالـت از تخفیفات مسافر استفاده نکند و تا جایی که مـی‌توانـد در نمازهـای جماعت حضور پیدا کند و نمازهـای سـنتش را بخوانـد, تـا اینکـه ایمانش ضعیف نشود، زیرا دور بودن از طاعت خداوند متعال سـبب ضعف ایمان و کاسته شدن تقوا می‌شود.

احکام جمع بین دو نماز

در بعضی از حالات می‌توان بین نمازهای ظهر و عصـر و نیـز بین نمازهای مغرب و عشاء جمع کرد، بدین صورت که دو نماز ظهر و عصر جمع تقدیم خوانده شوند و آن هم با خواندن این دو نماز در وقت ظهر و یا به صورت جمع تأخیر، آن هم با خواندن این دو نماز با یکدیگر در وقت عصر و همچنین نماز مغرب با عشاء.

حالاتی که می‌توان این نمازها را به صورت جمع خواند بـدین صورت است:

۱) جمع در سفر، بدین صورت که نماز ظهـر و عصـر بـا هـم دو رکعت دو رکعت جداگانه بدون اینکه میـان آنهـا بـرای ذکـر گفـتن بنشیند با هم جمع کند. و همچنـین نمـاز مغـرب بـا عشـاء، بـدین صورت که ابتدا نماز مغرب را سه رکعت و بعد از آن نماز عشـاء را دو رکعت بخواند.

دلایل این مطلب بدین صورت است:

از انس بن مالک ﷺ روایت است که گوید: « هرگاه پیامبر ﷺ قبل از اینکه خورشید زوال کند شروع به سفر می‌کرد، نماز ظهر را تا وقت نماز عصر به تأخیر می‌انداخت، سپس پایین می‌آمد و بین آن دو نماز جمع می‌نمود، و هرگاه قبل از آغاز سفرش خورشید زوال می‌کرد، نماز ظهر را می‌خواند و سپس سوار می شد»[۱].

همچنین از معاذ بن جبل ﷺ روایت است که گوید: «زمانی که پیامبر ﷺ در غزوۀ تبوک بود، هرگاه قبل از اینکه خورشید زوال کند شروع به حرکت می‌کرد، نماز ظهر را به تأخیر می‌انداخت تا اینکه با نماز عصر جمع کند و هر دو را با هم بخواند، و هرگاه بعد از زوال خورشید شروع به حرکت می‌کرد، نماز ظهر و عصر را با هم می خواند و سپس حرکت می‌کرد، و هرگاه قبل از مغرب شروع به

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۱۰۶۰ و مسلم حدیث شمارۀ ۷۰۴.

حرکت می‌کرد نماز مغرب را به تأخیر مـی‌انـداخت تـا اینکـه آن را همراه نماز عشاء بخواند، و هرگاه مـی‌خواسـت کـه بعـد از مغـرب شروع به حرکت کند، نماز عشاء را تقدیم می‌کرد و آن را همراه نماز مغرب می‌خواند»[۱].

در روایت دیگری از معاذ بن جبل ﷺ آمده اسـت کـه گویـد: «آنها همراه پیامبرﷺ در سال تبوک[۲] خارج شدند، و پیـامبرﷺ بـین نماز ظهر و نماز عصر جمع می‌کرد، و نیز بین مغرب و عشاء. (معاذ) گوید: پس روزی نماز را به تأخیر انداخت، سپس بیرون آمد و نماز

---

۱ – (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۱۲۲۰ و ترمذی حدیث شمارۀ ۵۵۳ و ابـن حبان حدیث شمارۀ ۱۴۵۸ .

۲ – یعنی سالی که در آن به غزوۀ تبوک رفتند.

ظهر و عصر را با هم خواند، سپس داخل شد و بعد از آن خارج شد و نماز مغرب و عشاء را با هم خواند»[۱].

در روایت دیگری نزد امام مسلم در صحیحش آمده است که ابوالطفیل گوید:« از معاذ سؤال کردم که چرا این کار را انجام داد (یعنی چرا پیامبر ﷺ این نمازها را به صورت جمع خواند)؟ (ابوالطفیل) گوید: او گفت: تا اینکه امتش را در حرج و سختی نیاندازد»[۲].

فوائد این آثار و احادیث:

اوّلاً: گفتهٔ معاذ رضی الله عنه در حدیث که «داخل شد و بعد از آن خارج شد» دلیلی بر این است که پیامبرﷺ در آنجا توقف داشته‌اند و دخول و خروج فقط به منزل و یا خیمه صورت می‌گیرد، زیرا اگر

---

۱ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارهٔ ۱۲۰۶ و نسائی حدیث شمارهٔ ۵۸۷ و ابن حبان حدیث شمارهٔ ۱۵۹۵ و ابن خزیمه حدیث شمارهٔ ۹۶۸ .

۲ - مسلم حدیث شمارهٔ ۷۰۶.

در حین سَیر در سفر بود می‌گفت "پایین آمد و یا سوار شـد و ...".
پس مسافر چه در حال سَیر و چه در حال توقف می‌تواند نمازش را به صورت جمع بخواند.

دوّماً: گفتۀ معاذ رضی الله عنه « تـا اینکـه امـتش را در حـرج و سـختی نیاندازد» دلیلی بر این است که جمع بین دو نماز به هنگام حاجت و نیاز صورت می‌گیرد و آن هم چه در سفر و چه در حضر.

سوّماً: این احادیث دلیلی بر این هستند که یک فرد مسافر مـی تواند دو نماز را با هم بخواند، چه جمع تقدیم و چه جمع تأخیر.

توجه: اگر کسی که هنوز در شهر خودش باشد و قصد سـفر را دارد و نمی‌تواند نمازش را در سفر بخواند، در این صورت می‌توانـد میان دو نمازش در حضر جمع کند، ولی باید نمـازش را بـه شـکل اصلی‌اش بخواند، یعنی نماز ظهر را چهار رکعت و سپس نماز عصـر را چهار رکعت با آن جمع کند. و یا اینکه مـی‌خواهـد مغـرب را بـا عشاء جمع کند، پس مغرب را سه رکعت و بعد از آن نماز عشـاء را

چهار رکعت می‌خواند. و همچنین اگر کسی در سفر باشد و بین دو نمازش جمع نکند تا اینکه به محل اقامتش برسد، در این صورت باید آن دو نماز را به شکل اصلی‌اش بخواند، یعنی چهار رکعت ظهر با چهار رکعت عصر و یا سه رکعت مغرب را با چهار رکعت عشاء می‌خواند. و به دلایل این مطلب در مبحث جمع میان دو نماز به هنگام باران آمدن و ضرورت، اشاره خواهد شد.

۲) جمع بین دو نماز در عرفه و مزدلفه، که دلایل آن بدین صورت است:

از ابن شهاب روایت است که گوید سالم به من گفت که حجاج ابن یوسف از عبدالله بن عمر سؤال کرد که چگونه در عرفه عمل می کنی؟ آنگاه سالم گفت: اگر سُنّت را می‌خواهی پس نماز در روز عرفه در شدّت گرما بخوان. عبدالله بن عمر گفت: «راست گفت، آنها

(یعنی صحابه) در سنّت، ظهر و عصر را با هم می‌خواندند»[۱]. و از جابر بن عبدالله ﷺ روایت است که در کیفیت حج پیامبر ﷺ می‌گوید: «پیامبر ﷺ به وسط وادی (در عرفه) آمدند و خطبه خواندند، سپس اذان داده شد، بعد اقامهٔ نماز گفته شد و نماز ظهر را خواندند، سپس اقامهٔ نماز گفته شد و نماز عصر را خواندند و میان آن دو نماز، نمازی نخواندند»[۲].

همچنین از ابوایوب انصاری ﷺ روایت است که گوید: «پیامبر ﷺ در حجة الوداع نماز مغرب را همراه عشاء در مزدلفه به صورت جمع خواندند»[۳].

---

۱ - (صحیح) ابن خزیمه حدیث شمارهٔ ۲۸۱۳ و بخاری به طور معلّق، حدیث شمارهٔ ۱۵۷۹.

۲ - مسلم حدیث شمارهٔ ۱۲۱۸.

۳ - بخاری حدیث شمارهٔ ۱۵۹۰.

فائده: در حدیث جابر ﷺ دلیلی است بر اینکه میان دو نمازی که جمع می‌شوند، نماز سنتی خوانده نمی‌شود و پس از انتهای نماز اوّل اقامهٔ نماز بعدی گفته می‌شود. و نیز دلیلی نیامده که پیامبرﷺ در منی بین دو نماز جمع کرده‌اند، پس سنت است که هر نماز در روزهای منی به شکل قصر در وقت خودش خوانده شود.

۳) جمع میان دو نماز به هنگام باران آمدن و ضرورت یا عذر:

در صورت فرود آمدن باران یا وزیدن باد به طور شدید می توان میان دو نماز ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشاء جمع کرد. و نیز به هنگام ضرورت مانند ترس از رسیدن دشمن و ... و یا عذری مانند بیماری، می‌توان بین دو نماز ظهر و عصر و مغرب با عشاء جمع کرد. دلایل این مسائل بدین صورت است:

از ابـن عبـاس رضـی الله عنهمـا روایـت اسـت کـه گویـد: «پیامبرﷺ در مدینه نماز ظهر و عصر و نماز مغرب را با عشـاء بـه صورت جمع خواند، در حالی که نه ترسی بود و نه باران»[۱].

همچنین از عبدالله بن عمر رضی الله عنهمـا روایـت اسـت کـه گوید پیامبرﷺ فرمودند: « هرگاه برای کسی از شما امری پیش آمد که بترسد از او فوت شود، پس این نماز را بخواند [یعنی جمـع بـین دو نماز]» [۲].

آثار و احادیث دیگری نیز هست که بر این مسأله دلالـت دارد که در اینجا به این دو حدیث اکتفا می‌کنم.

محل شاهد در حدیث اوّل این است که ابـن عبـاس رضـی‌الله عنهما گوید: «در حالی که نه ترسی بود و نه باران». ایـن گفتـه از

---

۱ - مسلم حدیث شمارۀ ۷۰۵.

۲ - (حسن) نسائی حدیث شمارۀ ۵۹۷ و طبرانی در "المعجـم الکبیـر" حـدیث شمارۀ ۱۳۲۳۳ (۳۱۹/۱۲) و زیادی در حدیث از اوست.

ابن عباس این مطلب را می‌رساند که جمع بین دو نماز در زمان پیامبر ﷺ به هنگام بارش باران یا حوادث دیگری معهود بوده است، پس جمع بین دو نماز در آن حالات سنت است. و امّا در غیر از این حالات، از این حدیث این برداشت می‌شود که وقتی پیامبر ﷺ بین آن دو نماز جمع کردند عذری قوی‌ای مثل باران و ... نبوده است، به همین خاطر ابن عباس رضی الله عنهما در دنبالۀ این واقعه می‌گوید: «(پیامبر ﷺ) خواست که امتش را در حج و سختی نیاندازد». ولی باید بدانیم که این حادثه استثنائی بوده است که ما نباید آن را برای خود سنتی قرار دهیم، بلکه جمع میان دو نماز در سفر و حضر از جمله رُخصتهایی است که برای تخفیف نماز بر نمازگزاران گذاشته شده است.

مسأله: آیا نیت در خواندن نماز به صورت قصر و پی در پی خواندن در جمع نماز شرط است؟

جواب: آنچه که به نظر می‌رسد نیت برای قصر خوانـدن نمـاز در سفر شرط نیست، زیرا همان طور که گفته شد, قصرِ نماز در سفر طبق اصل خود باقی مانده و به همین صورت بر مسافر فرض شـده است. همچنین موالات و پی در پی خواندن دو نماز با یکدیگر جزو شرط جمع بین دو نماز نیست، بلکه سنت است فاصـله‌ای میـان دو نماز نباشد، و در صورت تأخیر نماز بعدی اشـکالی در مشـروعیت جمع میان دو نماز ایجاد نمی‌شود.

اذکار بعد از نماز

اذکار و ادعیۀ بعد از نماز بدین صورت است:

۱- سنت نمازگزار پس از سلام از دادن سه بار "أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ" و بعد از آن "اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْکَ السَّلَامُ تَبارَکْتَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ" بگوید[1].

۲- بعد از آن می‌گوید: "اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَى ذِکْرِکَ وَشُکْرِکَ وَحُسْنِ عِبَادَتِکَ"[2].

۳- و"لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِیَّاهُ لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ"[3].

---

۱ - مسلم حدیث شمارۀ ۵۹۱.

۲ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۱۵۲۲ و نسائی حدیث شمارۀ ۱۳۰۳.

۳ - مسلم حدیث شمارۀ ۵۹۴.

۴- و"لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْـدُ وَهُـوَ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَیْتَ وَلَا مُعْطِیَ لِمَـا مَنَعْـتَ وَلَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْکَ الْجَدُّ"[1].

۵- از جمله اذکار بعد از نماز، گفـتن ۳۳ بـار "سـبحان الله" و ۳۳ بار "الحمد لله" و ۳۳ بار "الله اکبر" و در بار آخر " لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ" می‌باشد [2].

۶- یا گفتن ۳۳ بار "سبحان الله" و ۳۳ بار "الحمد لله" و ۳۴ بـار "الله اکبر"[3].

---

۱ – مسلم حدیث شمارهٔ ۵۹۳.

۲ – مسلم حدیث شمارهٔ ۵۹۷. در اجر گفتن این اذکـار بعـد از نمـاز پیـامبر ﷺ فرموده‌اند: « هرکس بعد از نماز ... (این اذکار) را بگوید گناهانش آمرزیده مـی شود گرچه همانند کف دریا باشد».

۳ – مسلم حدیث شمارهٔ ۵۹۶.

۷- یا گفتن ۳۳ بار "**سبحان الله**" و ۳۳ بار "**الحمد لله**" و ۳۳ بار "**الله اکبر**"[۱].

۸- یا گفتن ۱۰ بار "**سبحان الله**" و ۱۰ بار "**الحمد لله**" و ۱۰ بار "**الله اکبر**"[۲].

۹- یا گفتن ۲۵ بار "**سبحان الله**" و ۲۵ بار "**الحمد لله**" و ۲۵ بار "**الله اکبر**" و ۲۵ بار "**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**"[۳].

۱۰- سنت بعد از نماز آیة الکرسی تلاوت شود[۴]: ﴿ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

---

۱ - بخاری حدیث شمارۀ ۸۰۷ و مسلم حدیث شمارۀ ۵۹۵.

۲ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۵۰۶۵ و ترمذی حدیث شمارۀ ۳۴۱۰ و ابن حبان حدیث شمارۀ ۲۰۱۸.

۳ - (صحیح) عبد بن حمید در مسندش حدیث شمارۀ ۲۴۵ و نسائی حدیث شمارۀ ۱۳۵۰ .

۴ - (صحیح) نسائی در "سنن الکبری" حدیث شمارۀ ۹۹۲۸ و طبرانی در"المعجم الکبیر" حدیث شمارۀ ۷۵۳۲ (۱۱۴/۸). در اجر تلاوت این آیه بعد

=

الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِیُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا یَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ﴾ (بقره: ۲۵۵).

۱۱- و هچنین سوره‌های "اخلاص" و "فلق" و "ناس" بعد از هر نماز[1].

۱۲- سنت است بعد از نماز صد بار **"اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی وَتُبْ عَلَیَّ إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْغَفُورُ"** گفته شود[2].

از نماز پیامبرﷺ فرموده‌اند: «کسی که آیة الکرسی را بعد از هر نماز تلاوت کند، مانعی میان او و وارد شدن به بهشت نمی‌باشد مگر مردن».

۱ - (صحیح) ابوداود حدیث شمارۀ ۱۵۲۳ و نسائی حدیث شمارۀ ۱۳۳۶.

۲ - (صحیح) ابن ابی شیبه حدیث شمارۀ ۲۹۲۶۶ و نسائی در "سنن الکبری" حدیث شمارۀ ۹۹۳۱.

۱۳- سنت است که نمازگزار بعد از سلام دادن از نماز صبح بگوید: **"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا طَيِّبًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا"**[1].

۱۴- مستحب است که نمازگزار بعد از نماز صبح و مغرب قبل از اینکه پاهایش بعد از تشهد حرکت دهد، ۱۰ بار بگوید: **" لَا إِلَـهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ بِیَدِهِ الخَیْرُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیر"**[2].

---

۱ - (صحیح) ابن ماجه حدیث شمارهٔ ۹۲۵ و ابن ابی شیبه حدیث شمارهٔ ۲۹۲۶۵.

۲ - (حسن) احمد حدیث شمارهٔ ۱۸۰۱۹ و طبرانی در "المعجم الکبیر" (۶۵/۲۰) و نسائی در "سنن الکبری" حدیث شمارهٔ ۹۹۵۴. و شواهد آن نزد طبرانی در "مسند الشامیین" حدیث شمارهٔ ۲۳ و نیز در "المعجم الکبیر" ۲۸۰/۸ و در "الأوسط" ۱۷۵/۷و ترمذی حدیث شمارهٔ ۳۵۳۴.

فهرست مصادر و مراجع[١]

- الإجماع تألیف ابن منذر چاپ مکتبة الفرقان- عجمان.
- تاریخ دمشق چاپ دار الفکر.
- تفسیر السعدی چاپ مؤسسة الرسالة.
- تلخیص الحبیر تألیف ابن حجر چاپ مدینة.
- صحیح ابن حبان چاپ مؤسسة الرسالة.
- صحیح ابن خزیمه چاپ المکتب الاسلامی.
- صحیح بخاری چاپ دار ابن کثیر.
- صحیح مسلم چاپ دار إحیاء التراث العربی.
- سنن ابن ماجه چاپ دار الفکر.
- سنن أبوداود سجستانی چاپ دار الفکر.
- سنن ترمذی چاپ دار إحیاء التراث العربی.
- سنن دارقطنی چاپ دار المعرفة.
- سنن دارمی چاپ دار الکتاب العربی- بیروت.

---

١ - در ذکر این فهرست فقط به مهمترین مصادر و مراجع به طور خلاصه اشاره می‌کنم.

- سنن الكبرى تأليف بيهقى چاپ مكتبة الباز.
- سنن الكبرى تأليف نسائى چاپ دار الكتب العلمية.
- سنن نسائى چاپ مكتب المطبوعات الاسلامية–حلب.
- شرح معانى الآثار تأليف طحاوى چاپ دار الكتب العلمية.
- غريب الحديث تأليف ابو اسحاق حربى چاپ جامعة أم القرى– مكة.
- فتح البارى تأليف ابن حجر چاپ دار المعرفة.
- لسان العرب تأليف ابن منظور چاپ دار صادر–بيروت.
- مجمع الزوائد چاپ دار الفكر.
- مستخرج ابوعوانة چاپ دار المعرفة.
- المستدرک تأليف حاكم چاپ دار الكتب العلمية.
- مسند احمد چاپ مؤسسة قرطبة.
- مسند ابوداود طيالسى چاپ دار المعرفة.
- المصنف تأليف ابن أبى شيبة چاپ مكتبة الرشد.
- المصنف تأليف عبد الرزاق صنعانى چاپ المكتب الاسلامى.
- المعجم الأوسط تأليف طبرانى چاپ دار الحرمين.

- المعجم الكبير تألیف طبرانی چاپ مكتبة العلوم و الحكم.
- المنتخب من مسند عبد بن حميد چاپ مكتبة السنة – القاهرة.
- المنهاج شرح صحيح مسلم تألیف نووی چاپ دار إحياء التراث العربی.
- الموطأ روایت یحیی تألیف امام مالک چاپ دار إحياء التراث العربی– مصر.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: **« و من سلک طریقا یلتمس فیه علماً، سهل الله له به طریقاً الی الجنة»** : « و کسی که راه کسب علم (یعنی علم شرعی) را در پیش بگیرد خداوند برایش راهی به سوی بهشت آسان و هموار می‌گرداند» [مسلم حدیث شمارۀ ۲۶۹۹] .

همچنین می‌فرمایند: **« طلب العلم فریضة علی کل مسلم»** : «یاد گرفتن علم شرعی (یعنی آنچه که یک مؤمن به آن مکلف است) بر هر فرد مسلمان واجب می‌باشد» [طبرانی در "المعجم الکبیر" حدیث شمارۀ ۱۰۴۳۹].